

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایران حسین(ع) تا ابد پیروز است

متن روایت

"زندگی بر مدار مقاومت"

اداره کل تبلیغات اسلامی استان مازندران

تیرماه ۱۴۰۴

"پس از دوران جاهلیت و تجلی اسلام در جهان و احیای حقوق از دست رفته زن در جامعه، زن هویت و اصالت خویش را باز یافت و با حفظ ارزش های دینی، در مسائل مهم اجتماعی - سیاسی حضور پیدا کرد و چه بسا، نام و حماسه بعضی از ایشان در تاریخ ماندگار گردید.

از جمله حوادث عظیم در تاریخ اسلام و بلکه در تاریخ جهان، واقعه حزن انگیز و جانسوز کربلاست. حماسه کربلا، یک رویکرد بزرگ سیاسی، اجتماعی و تربیتی است که اگر این حماسه را احیا کننده اسلام بدانیم، باید سهمی عظیم برای زنان در آن قائل گردیم؛ زیرا اگر نبودند زنان شجاع، با ایمان و پاکبخته در صحرای کربلا، رسالت عظیم حسینی ناتمام می ماند. چه بسیار دلاوری ها و جان فشانی ها که در این صحنه، از زنان بروز و ظهور یافت و تا ابدیت بر تارک تاریخ حک گردید و به همین دلیل است که علامه شهید مطهری می فرمایند:

«تاریخ کربلا، یک حادثه و تاریخ مؤنث است، یعنی یک حادثه مذکر - مؤنث است. حادثه ای که مرد در آن نقش دارد، زن نقش دارد، ولی مرد در مدار خودش، و زن در مدار خودش.»

نمونه دیگر را می توان در پیروزی انقلاب اسلامی تداعی کرد حضور زنان جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران از جمله موضوعات با اهمیتی بود که قابلیت الگوسازی برای زنان مسلمان و زنان آزاده جهان می تواند باشد

همچنین در دوران دفاع مقدس زنان نقش پشتیبانی روانی و عاطفی خانواده بعد از رفتن همسران و فرزندان به جبهه را بر دوش خود داشتند و زنانی که همزمان هم مادر بودند و هم در نقش هایی مانند پشتیبانی، پرستاری و امدادی به مجروحان یاری می رساندند آنها نقش های زیبایی بر صفحه پرکار و اعجاز گونه دفاع مقدس رقم زدند.

آنها، این روزها نیز با ایثار، شجاعت و با الگو پذیری از حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت زینب سلام الله علیها و با اطاعت کامل و بی چون و چرا از ولایت مطلقه فقیه، دشمنان قسم خورده اسلام را در رسیدن به اهدافشان که همانا شکست انقلاب و نابودی اسلام است، ناکام گذاشتند و به عنوان بخشی از جامعه انسانی در هر یک از صحنه های مختلف اجتماع ایفاگر نقش اساسی بودند.

نقش زنان در محور مقاومت هم مثال زدنی است زنانی مقتدر، شجاع، صبور و باایمان، زنانی که هم درون جبهه مقاومت می جنگند هم بیرون جبهه مقاومت. زنانی که هم قبل از نبرد می جنگند و هم بعد از نبرد.

زنان علاوه بر نقش مادری و تربیتی فرزندان خویش می توانند مفاهیم ایثار، شهادت، مبارزه با ظلم و جور را در روحیه فرزندان خود گسترش دهند و به سبب قرار داشتن در جایگاه مادری و همسری به عنوان اصلی ترین ترویج دهندگان فرهنگ ایثار و شهادت مطرح هستند و در قاموس مقاومت و ایثار زنان ایثارگرانی عاشق ترند، هم

مجاهدند و هم مجاهد پرور و برای انجام مسئولیتی سنگین تربیت می‌شوند که ایفای آن نیازمند مقاومت و ایثار است.

شواهد تاریخی فراوانی در جوامع اسلامی از حضور زنان چه در معرکه‌های نبرد و چه در عرصه‌های مختلف از جمله علمی، ورزشی و... وجود دارد؛ حضور زنان در جنگ‌ها، پیشرفت و افتخار آفرینی آنها در میدان‌های علمی، ورزشی و... ثابت کرد که با جان و دل خود به میهن خویش عشق می‌ورزند.

چه بسیار مادران غیوری بودند که با تربیت اولاد صالح و اعزام فرزندان دل‌بندشان به صحنه‌های نبرد به مسئولان جنگ قوت قلب می‌دادند؛ زنانی که با تمام مشکلات و دلبستگی‌ها همسران خود را ترغیب به حضور در میادین جنگ می‌کردند.

چه زیبا امام راحل (ره) فرمودند: "زنان حق بیشتری از مردان دارند؛ زنان مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند؛ اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند."

نکته ای باید توجه داشت؛ امروزه منطقه دستخوش تحولات بسیار عمیقی است. منطقه خاورمیانه و هر جایی که اسم کشورهای محور مقاومت می‌آید مثل لبنان، سوریه، یمن و حتی ونزوئلا جزء محور مقاومت هستند؛ در محور مقاومت فقط خاورمیانه را در نظر نمی‌گیریم؛ نگاه ما در محور مقاومت نگاه جهانی ست؛ کشورهایی که به دنبال استقلال خود هستند و مقابل امپریالیسم جهانی می‌ایستند جزء محور مقاومت می‌باشند.

محور مقاومت فقط موشک‌های هایپرسونیک و جنگ الکترونیکی نیست؛ بلکه جزئی از جنگ ترکیبی است که باید در همه ابعاد آن حضور جدی داشته باشیم و فرزندان خود را شجاع و جنگاور تربیت کنیم؛ نبرد نهایی برای ظهور نزدیک است و باید شبکه جهانی ظهور را آماده کنیم شبکه جهانی ظهور باید ایجاد شود تا حضرت ظهور نماید.

لذا با توجه به نقش آفرینی و تأثیرگذاری بانوان در عرصه‌های مختلف، این پرده در ۵ دوره مطرح کردیم.

دوره اول: بانوان تأثیرگذار در نهضت سیدالشهداء

دوره دوم: زنان و نهضت امام خمینی (ره) در امتداد و نهضت عاشورا

دوره سوم: امتداد حضور در دفاع مقدس

دوره چهارم: امتداد قیام زنان در جبهه مقاومت

دوره پنجم: رسالت امروزی بانوان

دوره اول

بانوان تأثیرگذار در نهضت سید الشهداء

برخی از زنان تاثیرگذار در نهضت سیدالشهداء (قبل و بعد از واقعه عاشورا)

- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت. (انفال آیه 60)

- كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ
- چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیبایان است. (بقره آیه ۲۴۹)
- وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و (کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آیینش) نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است. (آل عمران ۵۴)

در تاریخ زندگانی مردان بزرگ تاریخ و کسانی که در ساختن جامعه و تاریخ نقش های بزرگی ایفا کرده اند ما را به این حقیقت رهنمون می گردانده آنان موفقیت خود را مرهون فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی دو گروه از زنان جامعه هستند.

گروه نخست مادران با ایمان ، فداکار و بزرگی که موفق به پرورش و تربیت فرزندانی گردیده اند که ایثار و شهادت را افتخار می دانند، گروه دیگر همسران پاک و عفیفی که پایه پای شوهران خود و در کنار آنان در مقابل حوادث سخت و دشوار ایستادگی و مقاومت کردند

این امر در تاریخ اسلام هم وجود داشته است یکی از این حوادث مهم و منحصر به فرد تاریخ اسلام که تحولی اساسی و بنیادین در جامعه اسلامی ایجاد کرد، و در تاریخ اسلام رنگ جاودانگی به خود گرفت، قیام سالار شهیدان است.

قیام عاشورا ، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که با شهادت امام حسین (ع) و یارانش رقم خورد این واقعه، تنها یک حادثه نظامی نبود، بلکه یک انقلاب فکری و فرهنگی بود که تاثیرات عمیقی بر جامعه اسلامی گذاشت. در این میان، نقش زنان در این واقعه، به ویژه از نظر حفظ و تداوم پیام عاشورا ، برجسته است.

امام حسین (ع) بخش اعظم پیام رسانی نهضت خویش را به عهده اهل بیت و زنان نهاد، آن حضرت به برادرش محمد حنفیه _ هنگام حرکت به سوی کربلا - فرمود:

«... اتانی رسول الله (ص) و قال یا حسین اخرج فان الله تعالى شاء ان يراک قتيلًا؛

رسول خدا (ص) دیشب در عالم رؤیا به من فرمود: ای حسین! خارج شو! زیرا خداوند می‌خواهد ترا کشته ببیند.»

و هنگامی که محمد حنفیه از انگیزه همراه بردن زنان و اطفال پرسید، امام فرمود:

«و قد شاء الله ان يراهنّ سبايا؛

خداوند می‌خواهد آنان را اسیر ببیند.»

معنای این سخن این است که برای حفظ اسلام خداوند بر من واجب کرده است که تسلیم یزید نگردم تا در این راه به شهادت برسم، و پس از من اهل بیتم به اسارت در آیند تا به این وسیله ندای حق‌خواهی من به گوش جهانیان برسد. این جمله به خوبی می‌رساند که بدون نقش‌آفرینی زنان در قیام عاشورا، قیام امام حسین (ع) ناتمام بود و اثر مطلوب بر آن مترتب نمی‌گردید.

ام سلمه نمونه‌ای از زنان بصیر، شجاع و وفادار در تاریخ اسلام است که با ایمان، حمایت از حق و ایستادگی در برابر ظلم، نام خود را در تاریخ ماندگار کرده است.

از جمله زنان تأثیرگذار بود که با نقل احادیث و هشدار درباره وقایع آینده، مردم را آگاه می‌کرد. حضرت ام سلمه (س) یکی از زنان تأثیرگذار در تاریخ اسلام و نهضت سیدالشهدا (ع) بود. او به دلیل بصیرت، حمایت از اهل بیت (ع)، نقش فرهنگی و تاریخی، و وفاداری به امام حسین (ع) شناخته می‌شود.

ام سلمه از همسران پیامبر (ص) بود و از همان ابتدا، عشق و وفاداری عمیقی نسبت به اهل بیت (ع) داشت. او در دوران پس از رحلت پیامبر (ص)، از حقانیت امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دفاع کرد و در برابر ظلم بنی‌امیه ایستادگی نمود. در ماجرای غصب فدک، ام سلمه از حضرت فاطمه (س) حمایت کرد و در برابر خلیفه وقت اعتراض نمود.

از معدود افرادی بود که از شهادت امام حسین (ع) پیشگویی دریافت کرد. پیامبر (ص) در زمان حیات خود، خاک کربلا را به ام سلمه داد و فرمود: "هرگاه دیدی این خاک به خون آغشته شد، بدان که حسینم شهید شده است ام سلمه این خاک را نزد خود نگه داشت و در روز عاشورا، هنگامی که خاک تغییر رنگ داد، فهمید که امام حسین (ع) به شهادت رسیده است.

ایشان یکی از راویان حدیث بود و بسیاری از احادیث پیامبر (ص) را نقل کرد. او در دوران حکومت معاویه، در برابر تحریف‌های تاریخی ایستادگی کرد و حقایق مربوط به اهل بیت (ع) را برای مردم بازگو نمود همچنین، او در جنگ جمل، نقش بازدارنده‌ای داشت و تلاش کرد تا مانع از فتنه‌انگیزی علیه امام علی (ع) شود.

ام سلمه تا پایان عمر خود، مدافع اهل بیت (ع) باقی ماند. او در مدینه زندگی می‌کرد و پس از واقعه عاشورا، مردم را نسبت به مظلومیت امام حسین (ع) آگاه کرد. وفاداری او به اهل بیت (ع) باعث شد که نامش در تاریخ اسلام به عنوان یکی از زنان شاخص و تأثیرگذار ثبت شود.

ام‌البنین

مادر حضرت عباس (ع) که پس از عاشورا، با مرثیه‌سرایی و پیام‌رسانی نقش مهمی در زنده نگه داشتن قیام حسینی داشت.

پس از واقعه عاشورا، پیام‌رسان مظلومیت اهل بیت شد. حضرت ام‌البنین (س) یکی از زنان شاخص در نهضت سیدالشهدا (ع) بود که نقش مهمی در حمایت از اهل بیت و انتقال پیام عاشورا داشت. او به دلیل بصیرت، ولایتمداری، فداکاری و نقش ادبی برجسته شناخته می‌شود.

بصیرت و ولایتمداری

ام‌البنین (س) از همان ابتدا جایگاه اهل بیت (ع) را درک کرد و با وفاداری کامل به امام علی (ع)، فرزندان خود را در مسیر ولایت تربیت کرد. او چهار پسر داشت که همگی در رکاب امام حسین (ع) در کربلا به شهادت رسیدند. پس از واقعه عاشورا، هنگامی که خبر شهادت فرزندان را شنید، بیش از هر چیز نگران امام حسین (ع) بود و گفت: "همه فرزندانم و هر چه زیر آسمان است فدای حسین (ع)!" این جمله نشان‌دهنده ولایتمداری عمیق او بود.

نقش ادبی و فرهنگی

ام‌البنین (س) نه تنها یک مادر شهید بود، بلکه شاعری برجسته نیز محسوب می‌شد. او با سرودن مرثیه‌های جانسوز، پیام عاشورا را زنده نگه داشت. یکی از مشهورترین اشعار او این بود:

"مرا ام‌البنین نخوانید، که یاد عباس (ع) دلم را می‌سوزاند!"

این اشعار چنان تأثیرگذار بود که حتی افراد قسی‌القلبی مانند مروان حکم را به گریه انداخت و با این مرثیه‌ها، فرهنگ عاشورایی را در جامعه گسترش داد و مردم را نسبت به مظلومیت اهل بیت آگاه کرد. ام‌البنین (س) نمونه‌ای از ایمان، شجاعت و فداکاری بود که نه تنها در زمان خود به عنوان الگوی مادران شهدا شناخته شده است.

همسر زهیر (دلهم)

همسر زهیر بن قین که نقش مهمی در پیوستن او به امام حسین (ع) ایفا کرد. زهیر ابتدا تمایلی به ملاقات با امام حسین (ع) نداشت و حتی سعی می‌کرد از مسیر کاروان حسینی دور بماند. اما زمانی که فرستاده امام حسین (ع) نزد زهیر آمد و او را دعوت کرد، زهیر دچار تردید شد. در این لحظه، دلهم با شجاعت و بصیرت به او گفت: "پسر پیامبر (ص) تو را می‌طلبد و تو امتناع می‌ورزی؟" این سخن تأثیر عمیقی بر زهیر گذاشت و باعث شد که او تصمیم بگیرد به خیمه‌گاه امام حسین (ع) برود.

پس از ملاقات با امام، زهیر متحول شد و به سپاه حسینی پیوسته هنگامی که زهیر آماده رفتن به میدان نبرد شد، دلهم به او گفت: "خدا یار و یاورت باشد و تو را به خوشبختی برساند. اما از تو می‌خواهم که روز قیامت نزد جدّت حسین (ع) مرا نیز به یاد آوری." این سخنان نشان‌دهنده ایمان و فداکاری دلهم بود. دلهم پس از شهادت زهیر، در میان اسیران کربلا حضور داشت و همچنان به حمایت از اهل بیت (ع) ادامه داد. دلهم بنت عمرو: همسر زهیر بن قین که او را برای پیوستن به امام حسین (ع) تشویق کرد.

بصیرت و حمایت از نهضت عاشورا

از زنان آگاه و بصیر زمان خود بود که در میان بنی‌هاشم جایگاه ویژه‌ای داشت. او از همان ابتدا، حقیقت قیام امام حسین (ع) را درک کرد و با تمام وجود از این نهضت حمایت نمود. برخی منابع تاریخی اشاره کرده‌اند که او در مدینه، مردم را به یاری امام حسین (ع) تشویق می‌کرد و تلاش داشت تا آگاهی عمومی را نسبت به ظلم بنی‌امیه افزایش دهد.

در روزهای منتهی به عاشورا، دلهم با سخنرانی‌های تأثیرگذار، مردم را به حمایت از امام حسین (ع) دعوت کرد. او با کلام نافذ و استدلال‌های قوی، تلاش کرد تا حقیقت قیام حسینی را برای مردم روشن کند. این نقش فرهنگی و تبلیغی او باعث شد که بسیاری از افراد، نسبت به مظلومیت امام حسین (ع) آگاه شوند.

شجاعت و ایستادگی در برابر ظلم

دلهم نه تنها در هدایت مردم نقش داشت، بلکه در برابر ظلم نیز ایستادگی کرد. هنگامی که بنی‌امیه تلاش کردند تا صدای حق را خاموش کنند، او با شجاعت و استقامت به فعالیت‌های خود ادامه داد. برخی منابع اشاره کرده‌اند که او در مدینه، با زنان دیگر جلسات مخفیانه برگزار می‌کرد تا پیام عاشورا را زنده نگه دارد. پس از واقعه عاشورا، دلهم نقش مهمی در انتقال پیام مظلومیت امام حسین (ع) داشت. او با بیان حقایق و روایت وقایع کربلا، تلاش کرد تا مردم را نسبت به جنایات بنی‌امیه آگاه کند. این فعالیت‌های او باعث شد که نهضت عاشورا، تنها به یک واقعه تاریخی محدود نشود، بلکه به یک جنبش فرهنگی و اجتماعی تبدیل گردد.

دلهم علاوه بر حمایت از قیام امام حسین (ع) ، در ترویج معارف اهل بیت (ع) نیز نقش داشت. او با بیان احادیث و آموزه‌های دینی، تلاش کرد تا مردم را با حقیقت اسلام آشنا کند. برخی منابع اشاره کرده‌اند که او در میان زنان بنی‌هاشم، جایگاه ویژه‌ای داشت و بسیاری از زنان، از او به عنوان یک الگوی بصیرت و شجاعت یاد می‌کردند.

دلهم نمونه‌ای از زنان شجاع و بصیر در تاریخ اسلام است که با ایمان، حمایت از حق و ایستادگی در برابر ظلم، نام خود را در تاریخ ماندگار کرد.

طوعه: زنی که در کوفه به مسلم بن عقیل پناه داد و از او حمایت کرد. او نمونه‌ای از وفاداری به اهل بیت (ع) بود. طوعه زنی شجاع در کوفه، با پناه دادن به مسلم بن عقیل، وفاداری خود را به نهضت حسینی نشان داد. هنگامی که پسرش محل اختفای مسلم را لو داد، طوعه با شجاعت از مسلم دفاع کرد و به او آب داد تا تشنگی‌اش را برطرف کند.

این زنان به دلیل ایستادگی در برابر ظلم، حمایت از حق و ایفای نقش در انتقال پیام عاشورا، در تاریخ ماندگار شدند.

ماریه بنت سعد

بانویی از بصره که خانه‌ی خود را به پایگاه فرهنگی شیعی تبدیل کرد و در انتشار فرهنگ اهل بیت (ع) نقش داشت. ماریه بنت سعد یکی از زنان شجاع و مؤمن بصره بود که نقش مهمی در حمایت از نهضت امام حسین (ع) ایفا کرد. خانه‌ی او به پایگاه فرهنگی شیعیان تبدیل شده بود و محلی برای تجمع و تبادل اندیشه‌های پیروان اهل بیت (ع) محسوب می‌شد در جریان قیام عاشورا، بسیاری از افرادی که در منزل او رفت‌وآمد داشتند، به یاری امام حسین (ع) شتافتند و به سوی کوفه رهسپار شدند.

این نشان‌دهنده تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی ماریه در بسیج نیروها برای حمایت از امام بود. از آنجا که قیام امام حسین (ع) یک حرکت فرهنگی و دینی بود، پایگاه‌هایی مانند منزل ماریه بنت سعد نقش مهمی در انتشار فرهنگ شیعی و حمایت از نهضت حسینی داشتند. این پایگاه‌ها بستری برای آگاهی‌بخشی و تقویت روحیه‌ی مبارزه در میان شیعیان بودند.

او با ایمان و آگاهی عمیق، مردم را به حمایت از امام حسین (ع) تشویق می‌کرد و نقش مهمی در هدایت شیعیان بصره داشت. در روزهای منتهی به عاشورا، هنگامی که امام حسین (ع) نامه‌ای به بزرگان بصره فرستاد، یزید بن نبیط بصری یکی از کسانی بود که به خانه ماریه رفت تا درباره این نامه مشورت کند. او پس از گفت‌وگو با ماریه، تصمیم گرفت همراه دو پسرش به مکه برود و به امام حسین (ع) بپیوندد این نشان‌دهنده نفوذ و تأثیر ماریه در هدایت مردم به سوی حق بود.

شجاعت و ایستادگی در برابر ظلم

ماریه نه تنها در هدایت شیعیان نقش داشت، بلکه در برابر ظلم نیز ایستادگی کرد. هنگامی که ابن زیاد از فعالیت‌های او مطلع شد، دستور داد که مانع تجمع شیعیان در خانه او شوند اما ماریه به فعالیت‌های خود ادامه داد و خانه‌اش همچنان محل تجمع یاران امام حسین (ع) باقی ماند. او با ایمان و فداکاری، بسیاری از افراد را به قیام حسینی پیوند داد. از جمله ادهم بن امیه، عامر و سیف بن مالک که در خانه ماریه تصمیم گرفتند به سپاه

امام حسین (ع) بپیوندند و در کربلا به شهادت رسیدند این نشان می‌دهد که ماریه نه تنها یک بانوی بصیر و آگاه بود، بلکه نقش عملی در حمایت از قیام عاشورا داشت.

فعالیت‌های فرهنگی و ترویج معارف اهل بیت (ع)

ماریه علاوه بر حمایت از قیام امام حسین (ع)، در ترویج معارف اهل بیت (ع) نیز نقش داشت. خانه او به مرکز مباحث علمی و عقیدتی تبدیل شده بود و شیعیان در آنجا درباره آموزه‌های اهل بیت (ع) بحث می‌کردند او با وقف تمام ثروت خود برای شناساندن نهضت عاشورا، نشان داد که هدفش تنها حمایت از امام حسین (ع) نبود، بلکه حفظ و گسترش فرهنگ عاشورایی نیز برای او اهمیت داشت. ماریه نمونه‌ای از زنان شجاع و بصیر در تاریخ اسلام است که با ایمان، حمایت از حق و ایستادگی در برابر ظلم، نام خود را در تاریخ ماندگار کرد.

بسترسازی فرهنگی برای قیام‌های آینده

قیام امام حسین (ع) یک حرکت فرهنگی بود و ماریه بنت سعد با انتشار تعالیم اهل بیت، زمینه را برای قیام‌های بعدی فراهم کرد. این پایگاه‌های مردمی نقش مهمی در بیداری جامعه و مقابله با ظلم داشتند.

تشویق مردم به حمایت از اهل بیت (ع)

بسیاری از افرادی که در منزل او رفت‌وآمد داشتند، به یاری امام حسین (ع) شتافتند و به سوی کوفه رهسپار دند. این نشان‌دهنده تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی ماریه در بسیج نیروها برای حمایت از امام بود ماریه بنت سعد نمونه‌ای از زنان تأثیرگذار پس از عاشورا است که با ایمان، بصیرت و حمایت از حق، مسیر تاریخ را تغییر دادند.

حضرت زینب (س)

با بصیرت و شجاعت، مردم را نسبت به ظلم بنی‌امیه آگاه کرد.

حضرت زینب (س) بود که نه تنها در کربلا بلکه پیش از آن نیز در مدینه نقش مهمی در حمایت از امام حسین (ع) داشت. حضرت زینب (س) خواهر امام حسین (ع) نقش مهمی در انتقال پیام عاشورا داشت. او با بصیرت، شجاعت و حمایت از امام حسین (ع)، زمینه‌ساز حرکت تاریخی عاشورا شد.

بصیرت و حمایت از امام حسین (ع)

حضرت زینب (س) از همان ابتدا، حقانیت قیام امام حسین (ع) را درک کرد و با تمام وجود از برادرش حمایت نمود. او در مدینه، مردم را نسبت به ظلم بنی‌امیه آگاه کرد و تلاش داشت تا یاران امام حسین (ع) را برای همراهی با ایشان آماده سازد.

نقش فرهنگی و تبلیغی

حضرت زینب (س) با سخنرانی‌های تأثیرگذار، مردم را به حمایت از امام حسین (ع) دعوت کرد. او با کلام نافذ و استدلال‌های قوی، تلاش کرد تا حقیقت قیام حسینی را برای مردم روشن کند. این نقش فرهنگی و تبلیغی او باعث شد که بسیاری از افراد، نسبت به مظلومیت امام حسین (ع) آگاه شوند.

آماده‌سازی اهل بیت برای سفر به کربلا

حضرت زینب (س) در مدینه، نقش مهمی در آماده‌سازی اهل بیت برای سفر به کربلا داشت. او با مدیریت امور خانواده، زمینه را برای همراهی زنان و کودکان با امام حسین (ع) فراهم کرد. این اقدام او نشان‌دهنده درایت و مسئولیت‌پذیری بالای ایشان بود.

حضرت زینب (س) نمونه‌ای از زنان شجاع و بصیر در تاریخ اسلام است که با ایمان، حمایت از حق و ایستادگی در برابر ظلم، نام خود را در تاریخ ماندگار کرد.

خطبه حضرت زینب (س) در شام

هنگامی که کاروان اسیران به مجلس یزید در شام وارد شد، یزید تلاش کرد با تحقیر اهل بیت (ع)، قدرت خود را به رخ بکشد. اما حضرت زینب (س) برخاست و با بیانی محکم فرمود:

"ای پسر معاویه! آیا فکر می‌کنی که با شهادت حسین (ع)، ما را نابود کرده‌ای؟ هرگز! تو ننگین خواهی شد و روزگار تو زودگذر است. بدان که عظمت حسین (ع) از تو و حکومت بالاتر است!"

این سخنان، یزید را در مجلس خودش تحقیر کرد و بسیاری از مردم شام را نسبت به ظلم او آگاه ساخت. خطبه‌های حضرت زینب (س) نقطه عطفی در تاریخ عاشورا بودند، چرا که مظلومیت امام حسین (ع) را به گوش جهانیان رساندند.

خطبه‌های حضرت زینب (س) بود که در کوفه و شام ایراد شد. این سخنان نه تنها پرده از مظلومیت اهل بیت (ع) برداشت، بلکه تأثیر عمیقی بر بیداری مردم و افشای جنایات بنی‌امیه گذاشت.

خطبه حضرت زینب (س) در کوفه

پس از واقعه عاشورا، کاروان اسیران به کوفه وارد شد. مردم، شگفت‌زده به تماشای کاروان پرداختند. در این لحظه، حضرت زینب (س) برخاست و با صدایی محکم و استوار فرمود:

"سپاس خداوند را و درود بر پیامبر او و خاندان پاکش باد. ای مردم کوفه! آیا گریه می‌کنید؟ اشک‌های شما خشک نخواهد شد! آیا جز خبثت و خیانت چیزی برای خود باقی گذاشتید؟"

ایشان با سرزنش شدید مردم کوفه، یادآوری کردند که چگونه با نامه‌های خود امام حسین (ع) را به شهرشان دعوت کردند، اما در نهایت او را تنها گذاشتند و به دشمنانش پیوستند.

زنان بنی‌اسد

(نقش زنان بنی‌اسد پس از عاشورا و آگاهی‌بخشی و ترغیب مردان)

پس از عاشورا، بدن‌های مطهر شهدا بر زمین مانده بود. زنان بنی‌اسد با شجاعت به میدان رفتند و با کمک مردان قبیله، شهدا را دفن کردند. نقش زنان بنی‌اسد بعد از نهضت عاشورا زنان بنی‌اسد نقش مهمی در دفن شهدای کربلا و حفظ پیام عاشورا داشتند. پس از شهادت امام حسین (ع) و یارانش، پیکرهای مطهر شهدا سه روز بر زمین ماند و کسی جرأت دفن آن‌ها را نداشت. اما زنان بنی‌اسد با شجاعت و بصیرت وارد میدان شدند و مردان قبیله را به انجام این وظیفه ترغیب کردند.

آغاز تدفین شهدا: زنان بنی‌اسد بیل و کلنگ به دست گرفتند و به سوی قتلگاه کربلا روانه شدند. پس از مدتی، مردان قبیله نیز به آنان پیوستند و با کمک حضرت زین‌العابدین (ع)، پیکرهای مطهر را دفن کردند.

از آن زمان تاکنون، زنان بنی‌اسد هر ساله در سومین روز شهادت امام حسین (ع)، مراسم عزاداری باشکوهی برگزار می‌کنند و یاد شهدای کربلا را زنده نگه می‌دارند. این زنان نمونه‌ای از شجاعت، بصیرت و وفاداری بودند که با اقدام خود، پیام عاشورا را حفظ کردند و زمینه‌ساز گسترش فرهنگ حسینی شدند.

مادر وهب بن عبدالله (ام وهب)

او پسرش را برای دفاع از امام حسین (ع) تشویق کرد و پس از شهادت او، با شجاعت به میدان رفت ام وهب یکی از زنان شجاع و مؤمن حاضر در واقعه عاشورا بود. او همسر عبدالله بن عمیر کلبی بود و همراه او به سپاه امام حسین (ع) پیوست. هنگامی که عبدالله تصمیم گرفت به یاری امام بشتابد، ام وهب نه تنها مخالفت نکرد، بلکه او را تشویق کرد و گفت: "درست اندیشیده‌ای، خداوند تو را به بهترین راهها هدایت کند." این حمایت باعث شد که عبدالله با اطمینان و ایمان به سپاه امام حسین (ع) بپیوندد.

در روز عاشورا، ام وهب شاهد رشادت‌های همسرش بود. پس از شهادت عبدالله، او به میدان رفت و صورت همسرش را پاک کرد و گفت: "بهشت بر تو مبارک باد، از خدا می‌خواهم که مرا همراه تو قرار دهد." این سخنان نشان‌دهنده ایمان و فداکاری او بود. اما دشمنان، او را نیز مورد حمله قرار دادند و به شهادت رساندند، و بدین ترتیب ام وهب اولین بانوی شهید شد.

پس از شهادت فرزندش، پیکر او را برداشت و خطاب به دشمنان گفت:

"ما آنچه را در راه حسین (ع) داده‌ایم، پس نمی‌گیریم!"

این بانوان با ایستادگی، فداکاری و پیام‌رسانی، نقش مهمی در حفظ و انتقال پیام عاشورا داشتند و الگوهایی از شجاعت و استقامت برای زنان مسلمان شدند.

نوار، همسر خولی

هنگامی که خولی سر مبارک امام حسین (ع) را به خانه آورد، نوار با اعتراض شدید، شوهرش را طرد کرد و شب را کنار سر مبارک امام به عزاداری پرداخت نوار، همسر خولی بن یزید اصبحی، یکی از زنان تأثیرگذار پس از عاشورا بود که با اعتراض شدید به جنایت شوهرش، نقش مهمی در بیداری مردم ایفا کرد.

او در اعتراض به جنایت شوهرش خولی، یکی از سربازان یزید، سر مبارک امام حسین (ع) را به خانه آورد تا جایزه دریافت کند. نوار با دیدن این صحنه، با خشم و انزجار شوهرش را طرد کرد و گفت:

"وای بر تو! تو سرِ پسر پیامبر خدا را آورده‌ای؟ به خدا سوگند، هرگز سرم با سر تو در یک خانه جمع نخواهد شد. نوار بعد نهضت عاشورا چگونه تأثیرگذار بود. رفتار نوار الگوی برائت از قاتلان امام حسین (ع) شد و نشان داد که حتی در میان خانواده‌های سپاه یزید، وجدان‌های بیدار وجود داشتند.

احترام به سر مبارک امام حسین (ع): نوار تا صبح کنار سر امام نشست و عزاداری کرد. در برخی منابع آمده است که او مشاهده حضور فرشتگان را در کنار سر مبارک امام گزارش کرده است. نوار نمونه‌ای از زنان شجاع و حق‌طلب بود که پس از عاشورا، با اعتراض و عزاداری، پیام مظلومیت امام حسین (ع) را زنده نگه داشت.

دوره دوم

زنان و نهضت امام خمینی در امتداد نهضت عاشورا

زنان و نهضت امام خمینی (ره) در امتداد نهضت عاشورا

- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ
- همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازوی [تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند (حدید ۲۵)
- كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ
- چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیبایان است. (بقره ۲۴۹)
- الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِيتُوهُمْ الْغُرَّةَ فَإِنَّ الْغُرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا
- همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست. (نساء ۱۳۸-۱۳۹)

عاشورا، حماسه‌ای خونین که در تاریخ اسلام و تشیع جایگاهی ویژه دارد، همواره به عنوان نمادی از مقاومت، ایستادگی و مبارزه با ظلم و ستم شناخته شده است. در طول تاریخ، این واقعه‌ی دردناک، الهام‌بخش جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌خواهی بوده است. اما پیوند عاشورا با نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران، سرشار از معنا و اهمیت ویژه‌ای است.

پس از واقعه عاشورا، نام امام حسین (ع) به عنوان نماد مقاومت در برابر ظلم و فساد در اذهان شیعیان ماندگار شد. در طول قرن‌ها، مراسم عزاداری و یادبود امام حسین (ع) به یکی از مهم‌ترین آیین‌های مذهبی شیعیان تبدیل شد و به محلی برای تجدید عهد با امام حسین (ع) و اعلام انزجار از ظلم و ستم تبدیل گردید.

در دوران پهلوی، رژیم با سرکوب شدید، تلاش می‌کرد تا مراسم عزاداری امام حسین (ع) را محدود و کنترل کند. اما این تلاش‌ها نتیجه‌ای نداشت و مراسم عزاداری عاشورا، به یکی از عرصه‌های مهم برای ابراز مخالفت با رژیم تبدیل شد.

امام خمینی (ره) با درک عمیق از این حقیقت، عاشورا را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مبارزه با رژیم پهلوی مورد استفاده قرار داد. ایشان با سخنرانی‌های آتشین خود، قیام امام حسین (ع) را به عنوان الگویی برای مبارزه با ظلم و استبداد معرفی کرد و مردم را به ایستادگی و مقاومت دعوت کرد.

در سال‌های منتهی به انقلاب، مراسم عزاداری عاشورا، به محلی برای تجمع و سازماندهی نیروهای مخالف رژیم تبدیل شد. روضه‌خوانان و وعاظ، با استفاده از واقعه عاشورا، مردم را به خروش آورده و آن‌ها را به آمادگی برای مبارزه با رژیم فرا می‌خواندند.

در نهایت، با اوج‌گیری اعتراضات مردمی در سال ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. این پیروزی، نتیجه‌ی سال‌ها مبارزه و تلاش مردم بود که با الهام از عاشورا و رهبری امام خمینی (ره) به دست آمد. به این ترتیب، می‌توان گفت که عاشورا و نهضت امام خمینی (ره) ارتباطی عمیق و ناگسستنی با یکدیگر داشتند. عاشورا به عنوان یک نماد و الهام‌بخش، نقش مهمی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد و انقلاب اسلامی نیز با تکیه بر آموزه‌های عاشورا، توانست به اهداف خود دست یابد.

کشف حجاب رضاخان

کشف حجاب رضا شاه به قانونی اطلاق می‌شود که در ۱۷ دی ۱۳۱۴ توسط رضا شاه پهلوی به منظور منع استفاده از حجاب (چادر، روبنده و روسری) برای زنان و دختران ایرانی به تصویب رسید. این قانون بخشی از سیاست‌های نوسازی و تجدیدخواهی بود که رضا شاه در ایران به اجرا گذاشت.

این قانون بخشی از یک سری اقدامات بود که با هدف متحدالشکل کردن لباس و ایجاد ظاهری مدرن در جامعه ایران انجام می‌شد.

هدف از این قانون، به ظاهر، ارتقای سطح فرهنگ و تمدن و تشویق زنان به مشارکت بیشتر در فعالیتهای اجتماعی بود.

کشف حجاب به صورت رسمی در جشن فارغ‌التحصیلی دختران در دانش سرای مقدماتی تهران اعلام شد. این قانون با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی مذهب‌یون و اقشار سنتی جامعه مواجه شد، اما در عین حال، زمینه مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی را فراهم کرد.

برخی منابع عنوان می‌کنند که رضاشاه شخصاً با کشف حجاب همسر و دخترانش مخالف بود و مرگ را بر این شرایط ترجیح می‌داد بر اساس گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

درباره اجباری بودن یا نبودن این قانون و همچنین پیامدهای مثبت و منفی آن هنوز بحث‌های تاریخی وجود دارد.

در مجموع، کشف حجاب یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود که تأثیرات عمیقی بر جامعه ایران و به ویژه زنان داشته است.

واقعه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی، یک رویداد اعتراضی به اجباری شدن تغییر لباس مردان بود که به دستور رضاشاه انجام شد و حدود شش ماه قبل از تصویب قانون کشف حجاب رخ داد. این رویداد، که در آن مردم معترض به اجبار در پوشیدن کلاه شاپو بودند، منجر به سرکوب و کشتار جمعی توسط حکومت شد و به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود.

در این رویداد، مردم به دلیل مخالفت با تغییر اجباری لباس و به ویژه اجبار در پوشیدن کلاه شاپو، در مسجد گوهرشاد مشهد تجمع کردند. این اعتراضات به سرعت توسط حکومت سرکوب شد و منجر به کشته شدن صدها نفر از مردم شد.

در حالی که برخی این واقعه را به عنوان نقطه آغاز مخالفت با کشف حجاب عنوان می‌کنند، اما باید توجه داشت که واقعه مسجد گوهرشاد، در واقع پیش از تصویب قانون کشف حجاب رخ داده و معترضان به تغییر لباس مردان بودند. با این حال، این رویداد به عنوان یک نمونه از مقاومت مردم در برابر اقدامات حکومت پهلوی و همچنین به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز مخالفت‌های بعدی با کشف حجاب، اهمیت دارد.

قضیه گوهرشاد

گوهر شاد خاتون یکی از زنان باحجاب بوده همیشه نقاب به صورت داشته و خیلی هم مذهبی بوده او می‌خواست در کنار حرم امام رضا (ع) مسجدی بنا کند.

به همه کارگران و معماران اعلام کرد دستمزد شما را دو برابر می‌دهم ولی شرطش این است که فقط با وضو کار کنید و در حال کار با یکدیگر مجادله و بد زبانی نکنید و با احترام رفتار کنید. و اخلاق اسلامی و یاد خدا را رعایت کنید. او به کسانی که به وسیله حیوانات مصالح و بار به محل مسجد می‌آوردند علاوه بر دستور قبلی گفت سر راه حیوانات آب و علوفه قرار دهید و این زبان بسته‌ها را زنید و بگذارید هر جا که تشنه و گرسنه بودند آب و علف بخورند. بر آنها بار سنگین زنید و آنها را اذیت نکنید. اما من مزد شما را دو برابر می‌دهم.

گوهرشاد هر روز به سرکشی کارگران به مسجد میرفت؛ روزی طبق معمول برای سرکشی کارها به محل مسجد رفت بود، در اثر باد مقنعه و حجاب او کمی کنار رفت و یک کارگر جوانی چهره او را دید. جوان بیچاره دل از کف داد و عشق گوهرشاد صبر و طاقت از او ربود تا آنجا که مریض شد و بیماری او را به مرگ نزدیک کرد. چند روزی بود که به سر کار نمی‌آمد و گوهر شادخاتون حال او را جویا شد... به او خبر دادند جوان بیمار شده لذا به عیادت او رفت.

چند روز گذشت و روز به روز حال جوان بدتر می‌شد. مادرش که احتمال از دست رفتن فرزند را جدی دید تصمیم گرفت جریان را به گوش ملکه گوهرشاد برساند و گفت اگر جان خودم را هم از دست بدهم مهم نیست.

او موضوع را به گوهرشاد گفت و منتظر عکس العمل گوهرشاد بود. ملکه بعد از شنیدن این حرف با خوشرویی گفت: این که مهم نیست چرا زودتر به من نگفتید تا از ناراحتی یک بنده خدا جلوگیری کنیم؟ و به مادرش گفت برو به پسر بگو من برای ازدواج با تو آماده هستم ولی قبل از آن باید دو کار صورت بگیرد.

یکی اینکه مهر من چهل روز اعتکاف توست در این مسجد تازه ساز. اگر قبول داری به مسجد برو و تا چهل روز فقط نماز و عبادت خدا را به جای آور. و شرط دیگر این است که بعد از آماده شدن تو من باید از شوهرم طلاق بگیرم. حال اگر تو شرط را می پذیری کار خود را شروع کن.

جوان عاشق وقتی پیغام گوهر شاد را شنید از این مژده حالش خوب شد و گفت چهل روز که چیزی نیست اگر چهل سال هم بگویی حاضرم. جوان رفت و مشغول نماز در مسجد شد به امید اینکه پاداش نمازهایش ازدواج و وصال همسری زیبا بنام گوهرشاد باشد. روز چهارم گوهر شاد قاصدی فرستاد تا از حال جوان خبر بگیرد تا اگر آماده است او هم آماده طلاق باشد. قاصد به جوان گفت فردا چهل روز تو تمام می شود و ملکه منتظر است تا اگر تو آماده هستی او هم شرط خود را انجام دهد.

جوان عاشق که ابتدا با عشق گوهرشاد به نماز پرداخته و حالا پس از چهل روز حلاوت نماز کام او را شیرین کرده بود جواب داد : به گوهر شاد خانم بگو اولاً از تو ممنونم و دوم اینکه من دیگر نیازی به ازدواج با تو ندارم. قاصد گفت منظورت چیست؟ مگر تو عاشق گوهرشاد خانم نبودی؟؟ جوان گفت آنوقت که عشق گوهرشاد من را بیمار و بی تاب کرد هنوز با معشوق حقیقی آشنا نشده بودم ، ولی اکنون دلم به عشق خدا می طپد و جز او معشوقی نمی خواهم. من با خدا مانوس شدم و فقط با او آرام می گیرم. اما از گوهر شاد هم ممنون هستم که مرا با خداوند آشنا کرد و او باعث شد تا معشوق حقیقی را پیدا کنم. و آن جوان شد اولین پیش نماز مسجد گوهر شاد و کم کم مطالعات و درسش را ادامه داد و شد یک فقیه کامل و او کسی نیست جز آیت اله شیخ محمد صادق همدانی.

نقش زنان در قیام ۱۵ خرداد (فاطمه امینی)

به عنوان اولین شهید زن نهضت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در قم به شهادت رسید. همسر ایشان از روحانیون مبارز حوزه علمیه قم بود که این خانواده را به کانون مبارزه تبدیل کرده بود.

در روز قیام تاریخی ۱۵ خرداد، فاطمه امینی در حالی که چادر سیاه بر سر داشت، در صف اول تظاهرات حضور یافت. هنگامی که نیروهای رژیم پهلوی به روی مردم آتش گشودند، او به جای فرار، به کمک مجروحان شتافت. در همین حین، گلوله‌ای به سرش اصابت کرد و در محله یخچال قاضی قم به شهادت رسید.

شهادت او چند ویژگی منحصر به فرد داشت:

- اولین زن شهید نهضت اسلامی

- شهادت در حال کمک به مجروحان

- تأثیر عمیق بر گسترش اعتراضات

امروز آرامگاه او در قم به عنوان نماد مقاومت زنان انقلابی مورد احترام است. مدارس و مؤسسات متعددی به نام او نامگذاری شده‌اند و داستان شهادتش الهام‌بخش نسل‌های بعدی شده است. مراسم سالگرد شهادت او هر ساله در قم با حضور گسترده مردم برگزار می‌شود.

یاران در گهواره

وقتی دژخیمان پهلوی در جریان مبارزات قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ امام خمینی را دستگیر و به سوی تبعیدگاه می‌بردند؛ یکی از مامورین ساواک از ایشان پرسید: «پس یاران شما کجا هستند؟» که امام خمینی در جوابش این جمله تاریخی را فرمودند که «یاران من در گهواره‌های مادرانشان هستند». این یاران در گهواره امام امت بعدها در جریان پیروزی انقلاب در سال ۵۷ نقش بی بدیلی داشتند و در سال‌های دفاع مقدس جوانان رشیدی شدند برای حفاظت از میراث گراندیش که همان «انقلاب اسلامی ایران» است، به پا خاستند و جانانه دفاع کردند.

وقتی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ پیروز شد، این گروه، با میانگین سنی ۱۵ سال در صحنه‌های انقلاب حاضر شدند و برخی نیز به شهادت رسیدند؛ و وقتی جنگ در سال ۵۹ توسط صدام بر کشور تحمیل و آهنگ دفاع نواخته شد، میانگین سنی این طیف در ابتدای جنگ (نقطه ۱۵ خرداد ۴۲ الی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹) ۱۷ سال و در طول دفاع مقدس به ۲۵ سال رسید؛ و عجیب اینکه میانگین حضور در دفاع مقدس و نیز شهدا نیز در این طیف سنی بوده است و با پر کشیدن امام، این باب شهادت نیز سال‌ها بسته شد.

حضرت امام به راهش و به هدفش و بی نهایت به جوانان ایمان داشت. همان جوانانی که قد برافراشتند و در پیروزی انقلاب حماسه آفریدند و آنانی که در دوران هشت سال دفاع مقدس گوش به فرمان رهبر، با سن و

سالی کم، با قد و قامتی کوچک، اما با دلی بزرگ و ایمانی عمیق بزرگترین فرماندهان جنگ شدند؛ و پس از آن سربازان جوانی برای نظام در راه تحصیل و تهذیب و شکست تمام تحریم‌ها و تهدیدها، روزی که باز هم مورد ترس دشمنان قرار گرفتند و شدند شهدای انرژی هسته‌ای.

و حالا این سال‌ها و این روزها باز هم جوانانی که شاید امام را ندیدند، اما راه امام و حماسه او را خوب شناختند، رفتند در دفاع از حریم ولایت و آنجا هم رنگ و بوی شهادت پاشیدند.

از میان ۱۹۰ هزار شهید جنگ تحمیلی، ۱۴ ساله و کمتر: هفت هزار و ۵۴ نفر، ۱۵ تا ۱۹ ساله: ۶۵ هزار و ۵۷۵ نفر، ۲۰ تا ۲۳ ساله: ۸۷ هزار و ۱۰۶ نفر، ۲۴ تا ۲۹ ساله: ۲۲ هزار و ۷۰۳ نفر، ۳۰ ساله و بالاتر: ۳۰ هزار و ۸۱۷ نفر بوده است؛ که در میان گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۳ ساله بالاترین میزان را دارد و دقیقاً همان افرادی هستند، که در قیام ۱۵ خرداد در دوران ستمشاهی، امام خمینی گفته بودند که یاران من در دامن مادران خود هستند. آمارهای زیر نیز مبین این امر است.

این جمله حضرت امام خمینی (ره) « یاران من در گهواره‌ها هستند». به این معناست که نسل‌های آینده و جوانان، حامیان و ادامه‌دهندگان راه ایشان خواهند بود و این نشان از امید و آینده‌نگری امام نسبت به انقلاب اسلامی دارد.

این جمله در واقع اشاره به این نکته دارد که انقلاب اسلامی محدود به یک مقطع زمانی خاص نیست و نسل‌های آینده نیز با آرمان‌های انقلاب همراه خواهند بود و در این مسیر حرکت خواهند کرد. این جمله نشان‌دهنده عمق و تأثیرگذاری اندیشه‌های امام بر نسل‌های مختلف است. و الان بعد از ۵۰ سال از آن درخشش واقعیتی هست بیداری که امام به ملت ایران داد نه تنها در ملت ما خاموش نشد، بلکه از ملت ایران فراتر رفت اگر الان در میان ملت مصر، یمن، تونس، بحرین، عراق، افغانستان و همه جاهایی که حرکاتی هست برود و سؤال کند، می‌گویند این خیزش و حرکت دنباله حرکتی است که امام در ایران انجام داد و اصولاً رشد سیاسی مسلمانان و در رأس همه مسلمانان کشور عزیزمان ایران را بالا برد.

طاهره سجادی

از نمادهای مقاومت زنان در زندان‌های ساواک بود که به "اسطوره استقامت" معروف شد. این بانوی ۲۴ ساله، دانشجوی ادبیات دانشگاه تهران بود که در سال ۱۳۵۴ دستگیر شد.

فعالیت در زندان قزل‌قلعه:

- سازماندهی اعتصاب غذاهای جمعی زندانیان
- تبدیل سلول به مدرسه آموزش عقاید اسلامی
- نوشتن شعرهای انقلابی روی دیوارهای زندان

مشهورترین جمله‌اش به بازجویان:

"هر قطره اشک من یک اعلامیه ضد شماست!"

ویژگی‌های منحصر به فرد:

- شکنجه‌های شدید روحی و جسمی را تحمل کرد
- هرگز حاضر به همکاری با ساواک نشد
- با خلاقیت، زندان را به محیط آموزشی تبدیل کرد

پس از انقلاب:

- عضو کمیته تحقیق درباره جنایات ساواک شد
- خاطراتش منبع مهمی برای مطالعه مقاومت زنان است
- هم اکنون به عنوان چهره فرهنگی فعالیت می‌کند

خانم دباغ (مادر مرضیه حدیدچی)

از زنان تأثیرگذار و کم‌شناخته‌تر نهضت امام خمینی (ره) بود که به "مادر معنوی مبارزان" شهرت داشت. این بانوی روحانی‌زاده، با مدیریت هوشمندانه‌اش، پایگاهی امن برای نهضت ایجاد کرد.

ویژگی‌های منحصر به فرد:

۱. پناهگاه امن مبارزان:

- تبدیل منزلش در قم به مهمانسرای مخفی مبارزان
- اسکان و حمایت از حدود ۴۷ مبارز در طول ۵ سال
- تأمین امنیت و مخفی‌کاری با روش‌های ابتکاری

۲. روش‌های هوشمندانه:

- استفاده از پخت نان و غذا بهانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات
- ارتباط با بازاریان مومن برای تأمین منابع
- ایجاد شبکه ارتباطی زنان در محلات قم

۳. نقش خانوادگی:

- تربیت چند فرزند مبارز (از جمله مرضیه دباغ)
- حمایت از همسر روحانی‌اش در فعالیت‌های انقلابی
- پیوند دهنده حوزه و مبارزان دانشگاهی

پس از انقلاب:

- اگر چه رسماً مسئولیتی نپذیرفت.
- اما به عنوان مشاور غیر رسمی نهادهای انقلابی فعالیت می‌کرد.
- خانه‌اش تا سال‌ها پاتوق چهره‌های انقلاب باقی ماند.

زینب ضیاءالدینی

از چهره‌های متهور و مؤثر در مبارزات مسلحانه علیه رژیم پهلوی بود که به "چریک خاموش انقلاب" شهرت داشت. این بانوی فارغ‌التحصیل حقوق از دانشگاه تهران، با تسلط به سه زبان خارجی، نقش منحصر به فردی در عملیات‌های اطلاعاتی ایفا می‌کرد.

ویژگی‌های شاخص:

- متخصص در شناسایی و ردگیری عوامل ساواک
- طراحی چندین عملیات فرار موفق از دستگیری
- استفاده از پوشش‌های مختلف مانند پرستار و منشی

نقش کلیدی:

- عضو فعال گروه فداییان اسلام
- مشارکت در عملیات شناسایی علیه مأموران بلندپایه امنیتی
- طراحی سیستم ارتباطی امن بین مبارزان

روش کار منحصر به فرد:

- استفاده از دانش حقوقی برای تحلیل ضعف‌های سیستم قضایی رژیم
 - بهره‌گیری از مهارت‌های زبان خارجی برای جمع‌آوری اطلاعات
 - ابداع کدهای ارتباطی پیچیده بر اساس متون ادبی
- پس از انقلاب، اگرچه مانند بسیاری از مبارزان مسلح به فعالیت‌های علنی روی نیاورد، اما تجربیاتش در آموزش نیروهای امنیتی مورد استفاده قرار گرفت. خاطرات او منبع ارزشمندی برای مطالعه شیوه‌های مبارزات مخفی است.

فاطمه طباطبایی

از زنان مؤثر و کم‌شناخته‌تر نهضت امام خمینی (ره) بود که به دلیل نسبت خانوادگی با امام (همسر آقای اشراقی، داماد امام) و نقش ارتباطی منحصر به فردش جایگاه ویژه‌ای داشت:

ویژگی‌های شاخص:

۱. پیک ویژه امام:
- انتقال پیام‌های محرمانه امام از نجف به ایران
 - استفاده از رمزهای ادبی و شعر برای ارتباطات امن
 - سازماندهی تظاهرات زنان در قم و تهران

۲. نقش خانوادگی:

- ایجاد پل ارتباطی بین بیت امام و مبارزان داخلی
- هماهنگی حوزه و دانشگاه در مبارزات
- حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی

۳. روش‌های ابتکاری:

- پنهان کردن پیام‌ها در لوازم خانگی و البسه
- استفاده از مراسم مذهبی برای تجمعات سیاسی
- تشکیل شبکه بانوان روحانیون مبارز

پس از انقلاب:

- عمدتاً در حوزه فرهنگی و خانواده فعالیت کرد.
- ترجیح داد در انظار عمومی کمتر حاضر شود.
- نقش مشورتی در برنامه‌های زنان داشت.

فصل سوم

امتداد حضور در دفاع مقدس

• وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت. (انفال ۶۰)

• وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (آل عمران ۱۶۹-۱۷۰)

از دیرباز شیر زنان مسلمان همراه با دلاور مردان با طنین دشمن برانداز الله اکبر فضای اختناق را شکستند و خواب خوش را از دیدگان کاخ نشینان ربودند و زنجیر اسارت را گسستند و درد و کین و آه و فغان خود را تبدیل به فریاد بر سر دیو سیرتان بر آوردند. زنانی که چون گدازه های آتش و چون طوفان خشمگین ، جور زمان را می شکافتند و جان خود را فدای راه اسلام و انقلاب اسلامی نمودند و از خون سرخ آنها لاله های آزادی جوانه زد.

حضور پرشور زنان در صحنه انقلاب اسلامی از افتخارات بزرگ زنان مسلمان ایران اسلامی است. آنان در همان روزهای نخستین انقلاب وارد میدان مبارزه شدند و با جهاد خود قدم به قدم، انقلاب اسلامی را یاری کردند. زنان با عزمی استوار علیه طاغوت و استکبار جهانی به صحنه مبارزه آمدند و دین خود را نسبت به اسلام و انقلاب به خوبی ادا کردند

بانوان به برکت انقلاب اسلامی و هدایتهای پیامبرگونه امام خمینی (ره) چنان از بینش سیاسی برخوردار شدند که دشمنان اسلام انقلاب از گمراه ساختن آنان ناامید و درمانیه شدند. زنان در ایثار جان و فرزند در انقلاب پیشقدم بودند. در ایثار مال هم بر مردان سبقت جستند. در هنگام بروز جنگ و دفاع یک ملت در برابر حمله ی دشمن ، تنها اعزام مردان به صحنه نبرد ضامن پیروزی نخواهد بود، بلکه حمایت و پشتیبانی از نبرد، تحریک و

تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان و حفظ کانون گرم خانواده، مراقبت و پرستاری از مجروحین مداوای زخمی ها، قبول مسئولیت و انجام وظیفه به جای مردان و آزادسازی ایشان برای شرکت در جنگ، حفظ سنگرهای پشت جبهه و حتی تشکیل اداره و توسعه ی نهضت های مقاومت و بسیاری موارد دیگر از جمله عوامل مهمی هستند که تاثیر مستقیمی بر روحیه ی رزمندگان و سرنوشت جنگ خواهند داشت. بنابراین زنان به عنوان بخشی از جامعه انسانی، مسلما در هر یک از صحنه های مختلف اجتماع، خصوصا در عرصه دفاع ، ایفاگر نقش اساسی می باشند.

نقش مادران در دفاع مقدس

نقش مادران در تشویق فرزندان به حضور در جبهه‌های دفاع مقدس بسیار پررنگ و حیاتی بود. مادران با صبر، ایثار، و ایمان راسخ خود، نه تنها مانع رفتن فرزندان‌شان به جنگ نشدند، بلکه با تشویق و ترغیب آنها به دفاع از میهن، نقش مهمی در تقویت روحیه رزمندگان ایفا کردند. آنها با فداکاری و از خودگذشتگی، نمادی از استواری و مقاومت در برابر دشمن بودند و با حمایت‌های معنوی و عاطفی خود، پشتوانه محکمی برای فرزندان‌شان در میدان‌های نبرد به شمار می‌رفتند.

این مادران با وجود سختی‌ها و نگرانی‌ها، فرزندان خود را به میدان نبرد می‌فرستادند تا از خاک ایران دفاع کنند. یکی از این مادران، حاجیه خانم مریم سلیمان فلاح است که همسر و فرزندش را در یک عملیات به شهادت رساندند. همچنین مادر شهید حجت‌الله فرزانه که تنها پسرش بود، او را برای ثبت نام در جبهه به پارک شهر برد. این مادران با فداکاری خود، الگویی برای صبر و ایثار در راه وطن شدند.

حاجیه صفیه گلزاری همسر، خواهر و دختر شهیدان گلزاری به همراه جمعی از فرزندان و برادران و خواهران مجموع خانواده شهید و ایثارگری تشکیل می‌دهند که بدون هیچگونه منت و چشم‌داشتی با تقدیم ۹ شهید در جزیره هرمز زندگی می‌کنند. شهیده فاطمه نیک مادر خانواده آخرین شهیدی بود که جان خود را در فاجعه جنایات آل سعود در سال ۶۶ مکه از دست داد و قبل از وی شهیدان علی و محمد گلزاری در عملیات فتح المبین، شهیدان محمد شفیع مدنی و موسی درویشی در عملیات خیبر، عبدالله دریانورد و غلام گلزاری در عملیات والفجر ۸، حرّ درویشی در عملیات کربلای ۴ و عبدالحسین درویشی در عملیات کربلای ۵ راه شهادت را انتخاب کردند. از این خانواده باز هم دو جانباز و یک ایثارگر روایت گر دوران دفاع مقدس باقی ماندند تا مجموع شهید، جانباز و ایثارگر این خانواده به عدد ۱۲ برسد.

ام‌الشهدا جزیره هرمز

فاطمه نیک در پنجم مهرماه ۱۳۰۰ در جزیره قشم از توابع استان هرمزگان دیده به جهان گشود. پدرش مؤذن مسجد بود و فاطمه در دامان خانواده‌ای معتقد و متدین رشد کرد و جانش با آموزه‌های دینی عجین شد؛ آن چنان که بعدها وقتی خود ازدواج کرد و مادر شد، فرزندان رشید و شجاع و بالیمان را تربیت کرد و در کنار خانه‌داری به فعالیت در امور مذهبی و مبارزه با استبداد شاهنشاهی پرداخت و پس از پیروزی انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی تک تک فرزندان‌ش را عازم جبهه‌های جنگ کرد. صفیه گلزاری با اشاره به ایمان و شجاعت مادرش، درباره اعزام فرزندان‌ش به جبهه گفته بود: «مادرم قلب بسیار بزرگی داشت و برای پیروزی انقلاب اسلامی در جبهه‌های حق علیه باطل از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. فرزندان‌ش را با میل خود راهی جنگ کرد و در طول جنگ چند تن از پسرانش به شهادت رسیدند و به ام‌الشهدا معروف شد. مادرم در مرداد ماه ۱۳۶۶ عازم حج ابراهیمی شد و در مراسم برائت از مشرکین سینه‌اش آماج گلوله‌های وهابیون شد و در نهم مردادماه ۱۳۶۶ در سن ۶۶ سالگی در شهر مکه مکرمه به فرزندان شهیدش پیوست.»

همسران شهدا

نقش همسران در تشویق شوهران برای حضور در جبهه‌های دفاع مقدس بسیار مهم بود. همسران با ایجاد فضایی حمایتی و تشویق‌کننده، به مردان انگیزه می‌دادند تا در دفاع از کشورشان شرکت کنند. این حمایت‌ها شامل صبر، استقامت، نگهداری از خانواده و حفظ روحیه در غیاب همسران بود.

ایجاد فضای حمایتی:

همسران با صبر و بردباری در برابر سختی‌ها و نگرانی‌های ناشی از جنگ، به مردان این اطمینان را می‌دادند که در خانه حامیانی فداکار دارند. این امر به آنها اجازه می‌داد تا با خیال آسوده‌تری به جبهه بروند.

تشویق و ترغیب:

همسران با بیان احساسات و عواطف خود و همچنین با نشان دادن علاقه و اشتیاق به حضور شوهرانشان در جبهه، به آنها انگیزه می‌دادند تا در این راه ثابت قدم باشند.

نقش در غیاب همسر:

همسران وظایف متعددی را در نبود همسرانشان بر عهده می‌گرفتند؛ از جمله اداره امور خانواده، تربیت فرزندان، حفظ کانون گرم خانواده و رسیدگی به امور اقتصادی و اجتماعی.

نمونه‌های عملی:

زنان با فرستادن نامه و دلداری به همسرانشان در جبهه، یا با تهیه لباس و مایحتاج برای رزمندگان و یا با شرکت در فعالیت‌های پشتیبانی از جبهه، نقش خود را به طور عملی نشان می‌دادند.

الگوسازی: برخی از زنان با تأسی از حضرت زینب (س) و دیگر زنان فداکار تاریخ، الگویی از صبر و استقامت برای دیگر زنان و مردان جامعه ارائه می‌دادند.

فهیمة بابائیان پور

یکی از بانوان متمایز و الهام‌بخش در دوران دفاع مقدس، فهیمة بابائیان‌پور است. که به دلیل روحیه شهادت‌طلبی، فداکاری و نقش مؤثرش در حمایت از رزمندگان، به عنوان نمادی از مقاومت و ایثار زنان ایرانی شناخته می‌شود.

ویژگی‌های برجسته فهیمة بابائیان‌پور:

۱. شهادت‌طلبی و عشق به جهاد:

فهیمة در گفت‌وگو با امام خمینی (ره) شرط ازدواج با شهید غلامرضا صادق‌زاده را "دعای امام برای شهادت هر دو در دنیا و شفاعتشان در آخرت" قرار داد. این روحیه، نشان‌دهنده عمق ایمان و آرمان‌خواهی او بود.

۲. حضور فعال در پشتیبانی جنگ:

او مانند بسیاری از زنان آن دوران، در تهیه غذا، دوخت لباس، و ارسال مهمات برای رزمندگان مشارکت داشت. این نقش‌های پشتیبانی، ستون فقرات مقاومت در جبهه‌ها بود.

تأثیرگذاری معنوی:

فهیمة پس از شهادت همسر اولش، چنان روحیه جهادی را در همسر دومش تقویت کرد که او نیز به جبهه اعزام شد. این نمونه‌ای از نقش زنان در تقویت روحیه رزمندگان بود.

الگویی برای زنان معاصر:

زندگی او ترکیبی از مسئولیت‌پذیری خانوادگی و اجتماعی بود و نشان داد که زنان می‌توانند هم‌زمان در عرصه‌های مختلف ایفای نقش کنند.

چرا فهیمة بابائیان‌پور متمایز است؟

او نه تنها در خط مقدم نبرد فیزیکی حاضر نشد، بلکه با ایمان راسخ و روحیه‌ای مقاوم، الگویی شد برای زنانی که در سخت‌ترین شرایط، هم‌پای مردان از انقلاب و میهن دفاع کردند. امام خمینی (ره) نیز به صراحت به نقش چنین زنانی در پیروزی انقلاب اشاره کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های برجسته فهیمة بابائیان‌پور، عشق عمیق او به شهادت و ایثار بود، به گونه‌ای که حتی شرط ازدواجش با شهید غلامرضا صادق‌زاده را دعای امام خمینی (ره) برای شهادت هر دو قرار داد.

نقل‌قولی از او در این باره: «من فقط با کسی ازدواج می‌کنم که امام برای شهادت ما دعا کند. می‌خواهم همسر و خودم در راه خدا شهید شویم.»

این ویژگی نشان‌دهنده‌ی ایمان راسخ، آرمان‌گرایی و فداکاری بی‌حد او در راه ارزش‌های دفاع مقدس است.

یکی از عمیق‌ترین ویژگی‌های فهیمة بابائیان‌پور، "تبدیل رنج به عرفان" بود.

او نه تنها شهادت همسرش را سوگواری نکرد، بلکه آن را "هدیه الهی" دانست و در نامه‌اش به امام خمینی (ره) نوشت:

«خدایا، چه کردی با من؟! چه لذتی بخشیدی به روح کوچکم! حالا می‌فهمم که عاشق بودن یعنی چه...»

این نگاه او، فراتر از صبر معمولی بود؛ یک شور عرفانی بود که مصیبت را به موهبت تبدیل می‌کرد. همان طور که بعد از شهادت همسر دومش نیز با همان حالتی آمیخته از عشق و استواری گفت:

«من در هر شهید، یک غلامرضای دیگر می‌بینم.»

چرا این ویژگی منحصر به فرد است؟

- چون نشان می‌دهد چگونه یک زن می‌تواند عمیق‌ترین دردها را به والاترین درک‌های معنوی تبدیل کند.
- اثبات می‌کند که عشق به خدا می‌تواند حتی از سخت‌ترین فقدان‌ها، نور بسازد. فهیمه به ما آموخت که ایمان واقعی، درد را محو نمی‌کند، اما آن را مقدس می‌سازد.

شهیده صدیقه رودباری

یکی از بانوان مبارز و الهام‌بخش دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که در سن ۱۹ سالگی به شهادت رسید. او نمادی از شجاعت، ایمان و فداکاری زنان ایرانی در راه آرمان‌های انقلابی است.

زندگی‌نامه و فعالیت‌های انقلابی

- تولد و خانواده: صدیقه رودباری در ۱۸ اسفند ۱۳۴۰ در تهران متولد شد و در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی پرورش یافت. او چهارمین فرزند از شش فرزند خانواده بود و از نوجوانی با تشویق برادرش در فعالیت‌های مذهبی و انقلابی شرکت می‌کرد.

فعالیت‌های پیش از انقلاب: در دوران دبیرستان، به تکثیر و پخش اعلامیه‌ها و نوارهای سخنان امام خمینی(ره) پرداخت و در تظاهرات ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (جمعه خونین) حضور فعال داشت.

- پس از انقلاب: در مدرسه خود انجمن اسلامی تشکیل داد و به کمک معلولان ذهنی می‌پرداخت. او همچنین در مناطق محروم و روستاهای کردستان به برگزاری کلاس‌های قرآن و عقیدتی مشغول شد.

ویژگی‌های برجسته شهیده رودباری

۱. شجاعت بی‌نظیر:

- در مدرسه، با سربازان گارد شاهنشاهی درگیر شد و حتی یکی از آن‌ها را سیلی زد.
- در کردستان، همیشه یک کلاشینکف قنداق‌تاشو و دو نارنجک زیر چادرش حمل می‌کرد و منافقین از ترس او جرأت حمله نداشتند.

۲. فعالیت‌های فرهنگی و جهادی:

- در بانه، مسئول آموزش نظامی به زنان بود و در مخابرات سنجید نیز خدمت می‌کرد.
- با وجود خطرات بسیار، به روستاهای دورافتاده می‌رفت و به مردم کمک می‌کرد.

۳. عشق به شهادت:

- در وصیت‌نامه‌اش نوشت: «می‌روم تا به خطه عاشورای ایران بپیوندم»
- در آخرین تماس تلفنی با خانواده گفت: «هیچ وقت تا این حد به شهادت نزدیک نبوده‌ام»

۴. شاعری و ادبیات:

- او اشعاری با مضامین انقلابی و عرفانی می‌سرود. در یکی از اشعارش نوشت:
«من فریاد خشک شده در گلو هستم / من شهیدم...»

نحوه شهادت

- در ۲۸ مرداد ۱۳۵۹، هنگام آموزش نظامی به زنان در بانه، یکی از منافقان به بهانه تمیز کردن اسلحه، گلوله‌ای به سینه او شلیک کرد و او به آرزوی دیرینه‌اش، شهادت، رسید.
- وصیت‌نامه و میراث معنوی:** در وصیت‌نامه‌اش از دوستش خواست «خدا را بشناسد و جای خالی او را پر کند» - قرآنش را به مادرش سپرد و گفت: «همیشه با خودت نگهدار»

چرا صدیقه رودباری متمایز است؟

- او ترکیبی از شجاعت مردانه و عاطفه زنانه بود؛ هم مبارز بود، هم معلم قرآن، هم شاعر و هم پرستار مجروحان. زندگی کوتاه اما پر بار او، الگویی برای نسل جوان است.

شهیده شهناز حاجی شاه

- یکی از نمادهای مقاومت و ایثار زنان ایران در دوران دفاع مقدس است که با شجاعت، ایمان و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیرش در خرمشهر، نام خود را در تاریخ جاودانه کرد. در ادامه به زندگی، ویژگی‌ها و لحظات شهادت این بانوی بزرگ می‌پردازیم:

زندگی‌نامه و فعالیت‌های شهیده شهناز حاجی شاه

- تولد و خانواده:

شهناز حاجی شاه در سال ۱۳۳۳ در دزفول متولد شد و در پنج سالگی به همراه خانواده به خرمشهر نقل مکان کرد. او سومین فرزند از هشت فرزند خانواده بود و به رغم سن کم، به دلیل شخصیت قوی و مسئولیت پذیری اش، نقش محوری در خانواده داشت.

- تحصیلات و مهارت‌ها:

- دیپلم خود را گرفت و سپس تحصیلات حوزوی را آغاز کرد.

- گواهینامه رانندگی داشت و به خوبی رانندگی می کرد.

- در تایپ فارسی و لاتین مهارت داشت و دوره های مختلف آموزشی، مذهبی و رزمی را گذرانده بود.

- یک سال قبل از جنگ، برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مسلح شده بود.

- فعالیت های انقلابی و جهادی:

- در دوران انقلاب، اعلامیه های امام خمینی (ره) را پخش می کرد.

- پس از انقلاب، به صورت خودجوش به آموزش کودکان و زنان کم سواد در روستاها پرداخت.

- در بیمارستان طالقانی خرمشهر به عنوان امدادگر فعالیت می کرد و شبانه روز به مجروحان جنگ رسیدگی می نمود.

ویژگی های برجسته شهید شهناز حاجی شاه

۱. شجاعت و ایثار:

- در بحبوحه جنگ، زمانی که بسیاری از مردم خرمشهر را ترک کرده بودند، او ماند و به کمک رزمندگان شتافت.

- در حملات دشمن، بدون ترس به نجات مجروحان می رفت و حتی یک بار یکی از همرزمانش را از غرق شدن در رودخانه نجات داد.

۲. روحیه معنوی و اخلاقی:

- به نماز اول وقت بسیار مقید بود و برای نماز لباس مخصوص می پوشید. می گفت: «نماز مهمانی خداست و باید با بهترین لباس حاضر شد»

- هر شب دعای کمیل می خواند و با اشتیاق به عبادت می پرداخت.

۳. هنر تأثیرگذاری بر دیگران:

- با افرادی که از نظر عقیدتی با او تفاوت داشتند، دوست می‌شد و معتقد بود:
- «هنر آن است که در قلب کسی رسوخ کنی که با تو و آرمان‌هایت دشمن است»

۴. فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی:

- به صورت داوطلبانه به روستاها می‌رفت و به کودکان درس می‌داد.
- در دوخت لباس برای نیازمندان و همسایگان کمک می‌کرد.

لحظات آخر و شهادت

- شب قبل از شهادت:

- شهناز در شب آخر، لباس سفید زیبایی پوشید و به دوستانش گفت:
- «وقتی انسان خیلی خوشحال است، بهترین لباس‌هایش را می‌پوشد. بیاید عکس یادگاری بگیریم، شاید این آخرین عکس‌ها باشد»

- نحوه شهادت:

- در هشتم مهرماه ۱۳۵۹، هنگام کمک به یک رزمنده مجروح در خیابان گل‌فروشی خرمشهر، خمپاره‌ای به نزدیکی‌اش اصابت کرد و ترکش مستقیماً به قلبش خورد. او در ۲۶ سالگی به شهادت رسید
- تشییع و خاکسپاری:

- به دلیل محاصره خرمشهر، تشییع او با حضور تنها پنج نفر به صورت بسیار مظلومانه انجام شد. مادرش او را با دست‌های خود غسل داد و در گلزار شهدای خرمشهر به خاک سپرد.

وصیت‌نامه و میراث شهیده

- در وصیت‌نامه‌اش از خانواده خواست که در راه انقلاب و اسلام ثابت‌قدم بمانند.
- برادرانش، ناصر و حسین حاجی شاه، نیز پس از او به شهادت رسیدند.

چرا شهناز حاجی شاه الهام بخش است؟

او ترکیبی از شجاعت مردانه و لطافت زنانه بود؛ هم یک امدادگر فداکار، هم یک معلم دلسوز، و هم یک مبارز بی‌باک. زندگی کوتاه اما پربارش نشان می‌دهد که ایمان و عشق به میهن می‌تواند هر انسانی را به قله‌های ایثار برساند.

در ادامه معرفی زنان تأثیرگذار دفاع مقدس، به چند تن از شیرزنان دیگری که نقش بی‌بدیلی در دوران هشت سال جنگ تحمیلی ایفا کردند، می‌پردازیم.

بی‌بی لوعه ناصریان (ماه دارخوین)

بی‌بی لوعه ناصریان معروف به «مادر جبهه‌ها» و «بانوی مقاومت خوزستان»، یکی از نمادهای ایثار و استقامت زنان ایرانی در دوران دفاع مقدس بود. زندگی پربار او به ویژه در طول جنگ ایران و عراق، سرشار از فداکاری و نقش آفرینی در پشتیبانی از رزمندگان است. در ادامه به جزئیات زندگی و ویژگی‌های منحصر به فرد این بانوی بزرگ می‌پردازیم:

۱. زندگی‌نامه و پیشینه

- تولد و خانواده:

لوعه ناصریان در سال ۱۲۹۴ در خوزستان متولد شد و در ۱۲ سالگی ازدواج کرد. او بیشتر عمر خود را در شهر دارخوین گذراند و به دلیل مهربانی و مهمان‌نوازی، به «بی‌بی» (لقب احترام‌آمیز برای زنان عرب زبان) مشهور شد.

- تجربه تاریخی:

او شاهد دو حمله بزرگ به خوزستان بود:

- هجوم انگلیسی‌ها به آبادان و دارخوین در جوانی.

- جنگ تحمیلی عراق در سن ۶۵ سالگی.

۲. نقش بی‌بی لوعه در دفاع مقدس

در آغاز جنگ، هنگامی که دارخوین تحت بمباران شدید بود و اکثر ساکنان شهر را ترک کرده بودند، بی‌بی لوعه تنها زن باقی‌مانده در دارخوین بود و همراه پسرانش به مقاومت پرداخت. فعالیت‌های او شامل:

- پشتیبانی لجستیکی:

- پخت نان و غذا برای رزمندگان.

- شستن لباس‌های سربازان در شرایط سخت جنگی.

- حمایت روحی:

- با آوازخوانی و روحیه‌دهی به رزمندگان، به «مادر جبهه‌ها» تبدیل شد.

- تشکیل مقاومت مردمی:

- همکاری با نیروهای مردمی برای دفاع از شهر.

۳. خاطرات تلخ و شیرین

- وصف صحنه‌های جنگ:

او از خاطرات هولناک جنگ می‌گفت:

«یک سرباز از ناحیه گردن مورد اصابت ترکش قرار گرفت و سرش از بدن جدا شد، اما بدنش همچنان می‌دوید...»

- ملاقات با فرماندهان:

شخصیت‌هایی مانند سردار سلیمانی، شمخانی و صیاد شیرازی به خانه او رفت‌وآمد داشتند.

۴. ویژگی‌های شخصیتی

- مهربانی و مهمان‌نوازی:

حتی پیش از جنگ، در گرمای دارخوین، با کلمن آب یخ به استقبال مسافران می‌رفت.

- شجاعت:

با وجود خطر بمباران، هرگز دارخوین را ترک نکرد و گفت: «عراقی‌ها جرأت جنگ با ایرانی‌ها را ندارند».

- حافظه تاریخی:

خاطرات یک قرن زندگی خود را با جزئیات حفظ کرده بود.

بزرگداشت و درگذشت

- مراسم تکریم:

در سال ۱۴۰۲، همزمان با ۱۰۷ سالگی او، تندیسش رونمایی شد و از خدماتش تجلیل گردید.

- درگذشت:

بی بی لویه در ۲۲ مهر ۱۴۰۳ (۱۰۹ سالگی) درگذشت و در دارخوین به خاک سپرده شد. پیکرش بر دوش مردم شهیدپرور تشییع شد.

۶. میراث ماندگار

- نماد مقاومت غیرنظامیان:

او ثابت کرد که پشت جبهه‌ها نیز زنانی بودند که با نان، لباس و آواز جنگیدند.

- الهام‌بخشی به نسل جوان:

زندگی او موضوع مستندها و کتاب‌های متعددی شده است، از جمله «خاطرات بی بی لویه».

برای مطالعه بیشتر می‌توانید به منابعی مانند کتاب‌های خاطرات او یا مستند «بانوی مقاومت دارخوین» مراجعه کنید.

- ویژگی‌های برجسته:

- معروف به «ماه دارخوین»، پیرزن ۱۰۷ ساله‌ای که در اوج بمباران‌های دارخوین ماند و به رزمندگان خدمات رسانی کرد.

- خانه‌اش به پایگاهی برای فرماندهان و سربازان تبدیل شد و با پختن نان و غذا، شستن لباس‌ها و روحیه‌بخشی به رزمندگان، به نماد مقاومت غیرنظامیان تبدیل شد.

- در حالی که تمام ساکنان دارخوین را ترک کرده بودند، او تنها ماند و گفت: «من از این شهر نمی‌روم؛ اینجا خانه من است».

زهرآ محمودی (مادر جبهه‌ها) . زندگی‌نامه و پیشینه

زهرآ محمودی متولد ۱۳۰۰ در تهران، در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی پرورش یافت. همسرش پیش از جنگ درگذشته بود و او با وجود سن بالا و مسئولیت‌های خانوادگی، تصمیم گرفت به جبهه‌ها بپیوندد.

- شروع فعالیت‌ها:

از اولین روزهای جنگ تحمیلی (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) با جمع‌آوری کمک‌های مردمی و خواندن بیانیه‌ای در مقابل مجلس، رسماً وارد عرصه پشتیبانی از رزمندگان شد.

۲. نقش بی نظیر در دفاع مقدس

- حضور مستقیم در خط مقدم:

- تنها زنی بود که کارت تردد ویژه برای ورود به مناطق جنگی جنوب و غرب (خرمشهر، سوسنگرد، سومار، ماووت) را دریافت کرد.

- کمک‌های مردمی (غذا، لباس، دارو) را شخصاً به سنگرهای رزمندگان می‌رساند، حتی در شرایطی مانند عملیات کربلای ۷ که منابع آب قطع شده بود.

- خدمات کلیدی:

- جمع‌آوری و ارسال ۱۰ کیلو طلا از مردم برای خرید تجهیزات جنگی

- تأمین ۳۰ حمام صحرایی و منابع آب برای رزمندگان

- دوخت لباس و تهیه غذای گرم در پایگاه خانگی خود در تهران

۳. ویژگی‌های شخصیتی و خاطرات ماندگار

- شجاعت مثال‌زدنی:

- در بمباران‌های سنگین، سینه‌خیز به سنگرها می‌رسید و بسته‌ها را تحویل می‌داد.

- در سردشت، با وجود برف و سرمای شدید، آذوقه را تا بالای کوه برد و با سرخوردن روی نایلون بازگشت.

- محبت مادرانه:

- رزمندگان او را «مادر جبهه‌ها» خطاب می‌کردند. یک رزمنده جوان پس از دیدنش، نامه‌ای را که برای مادرش نوشته بود پاره کرد و گفت: *«حس کردم مادرم به جبهه آمده»

- در بیمارستان، به جای پذیرفتن هدایای عیادت، از مردم می‌خواست پول به جبهه اهدا کنند.

۴. خانواده و ایثارگری

- پسر شهید:

فرزندش علی اقبال در عملیات ماووت (۱۳۶۶) به شهادت رسید. زهرا محمودی با وجود غم عمیق، حاضر نشد گریه کند تا «منافقین شاد نشوند».

- وصیت شهید علی اقبال:

آخرین پیامش به مادر: «پاسداری از راه امام (ره) را فراموش نکن»

۵. میراث ماندگار

- کتاب و مستند:

- کتاب «همدم، مادر جبهه‌ها» توسط نوه‌اش (کتایون رجبی‌راد) نوشته شد و روایت‌های او را از جنگ ثبت کرد.

- مستند «مادر جبهه‌ها» (۱۳۸۷) به کارگردانی شهرام میراب اقدام، زندگی او را به تصویر کشید.

- درگذشت:

این بانوی بزرگ در ۹ آبان ۱۳۸۹ درگذشت و در تهران به خاک سپرده شد.

چرا زهرا محمودی الهام‌بخش است؟

او ثابت کرد که عشق به وطن و مسئولیت‌پذیری محدودیت سنی و جنسیتی ندارد. با وجود تهدید صدام که برای سرش جایزه تعیین کرده بود، هرگز از خدمت دست نکشید.

- ویژگی‌های برجسته:

- نخستین زنی که پس از آزادی خرمشهر وارد شهر شد و به دلیل فعالیت‌های گسترده در پشتیبانی لجستیکی، به «مادر جبهه‌ها» معروف شد.

- با اصرار به مجلس شورای اسلامی، مجوز حضور در خط مقدم را گرفت و مستقیماً آذوقه، دارو و لباس را به رزمندگان می‌رساند.

- در سوسنگرد و دیگر مناطق عملیاتی حضوری فعال داشت و با روحیه‌دهی به رزمندگان، نقش کلیدی ایفا کرد.

سیده زهرا حسینی (راوی کتاب «۱۰»)

سیده زهرا حسینی در سال ۱۳۴۲ در بصره (عراق) از والدینی کردتبار با اصالت ایرانی (اهل زرین‌آباد دهلران، ایلام) متولد شد. در ۵ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت کرد. پدرش به دلیل فعالیت‌های سیاسی ضد رژیم بعث، بارها توسط استخبارات عراق شکنجه شده بود.

- تحصیلات:

پس از اتمام کلاس پنجم به دلیل مختلط بودن مدارس و اصرار پدر، ترک تحصیل کرد و در محیطی مذهبی پرورش یافت.

۲. نقش او در دفاع مقدس

- شرایط آغاز جنگ:

هنگام حمله عراق به ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹)، زهرا ۱۷ ساله بود. او ابتدا در بیمارستان‌های خرمشهر به امدادگری پرداخت، اما به دلیل حجم بالای شهدا، به غسالخانه جنت‌آباد منتقل شد.

- فعالیت‌های کلیدی:

- غسل و کفن شهدا: با دست‌های خود پیکر پدر و برادرش را پس از شهادت آماده خاکسپاری کرد.

- حمل مجروحان و تعمیر اسلحه: در خط مقدم به رزمندگان کمک می‌کرد.

- پشتیبانی لجستیکی: تهیه غذا و توزیع امکانات برای مقاومت‌کنندگان.

- مجروحیت:

در ۲۰ مهر ۱۳۵۹ بر اثر اصابت ترکش به نخاع و دست، به شدت مجروح شد و به بیمارستانی در ماهشهر منتقل گردید.

۳. کتاب‌ها: روایتی از مقاومت خرمشهر

- محتوای کتاب:

- بخش اول: زندگی در عراق و مهاجرت اجباری به ایران

- بخش دوم: مقاومت ۳۳ روزه خرمشهر و فجایع جنگ از نگاه یک نوجوان

- بخش سوم: زندگی شخصی و ازدواج با حبیب فرهانی‌خواه (از رزمندگان)

- ویژگی‌های منحصر به فرد:

- نثر احساسی و رئالیستی: ترکیب خاطرات مستند با عناصر داستانی، که آن را به "رمانی تأثیرگذار" تبدیل کرده است.

- تمرکز بر نقش زنان: روایت کم‌دید شده‌ای از فداکاری زنان در پشت جبهه و غسالخانه‌ها.

- انتقادات و جنجال‌ها:

- برخی فرماندهان ارتش (مانند هوشنگ صمدی) به تحریف نقش ارتش در کتاب اعتراض کردند.

- منتقدانی مانند اسد سیف، کتاب را تبلیغاتی و متأثر از سیاست‌های حکومتی دانسته‌اند.

۴. جایگاه فرهنگی و اجتماعی

- استقبال بی‌نظیر:

- پرفروش‌ترین کتاب سال ۱۳۸۸ با ۱۵۹ چاپ تاکنون و ترجمه به زبان‌های انگلیسی، ترکی، اردو و عربی

- جوایز: برگزیده جایزه جلال آل‌احمد و کتاب سال دفاع مقدس

- تأثیرگذاری:

- تبدیل شدن به نماد ادبیات مقاومت و الهام‌بخشی به نسل جوان

- ساخت مستند و برنامه‌های رادیویی بر اساس کتاب

۵. ویژگی‌های شخصیتی و میراث

- عشق به شهادت:

در کتاب می‌نویسد: «خواستم ثابت کنم جنگ طلب نیستیم، اما در برابر تجاوز هم سکوت نمی‌کنیم».

- تقدیم به حضرت زینب (س):

کتاب را به عنوان ادای دین به مقاومت زنان در تاریخ اسلام تقدیم کرد.

- خانواده:

مادر چهار فرزند (عبدالله، هدی، فاطمه، مینا) و همسر یک رزمنده

چرا زهرا حسینی مهم است؟

او با روایت رنج و ایثار مردم عادی (به ویژه زنان) در جنگ، تصویری ملموس از دفاع مقدس ارائه داد. اگر چه کتابش منتقدانی دارد، اما بی‌تردید یکی از مؤثرترین روایت‌های تاریخ شفاهی جنگ است.

- ویژگی‌های برجسته:

- در ۱۷ سالگی در خرمشهر به غسل و کفن شهدا پرداخت و در شرایطی که پیکرها روی زمین مانده بودند، با شجاعت بی‌نظیری عمل کرد.

- پس از شهادت پدر و برادرش، خودشان آن‌ها را دفن کردند و با وجود مجروحیت (ترکش در نخاع)، هرگز از خدمت دست نکشیدند. - کتاب خاطرات او، «دا»، به پرفروش‌ترین کتاب دفاع مقدس تبدیل شد و روایتی زنده از فاجعه و مقاومت خرمشهر ارائه داد.

نقش مالی زنان در پشت جبهه

زنان در دوران دفاع مقدس نقش مهمی در کمک‌های مالی به جبهه‌ها داشتند. آنها با جمع‌آوری کمک‌های مردمی، اهدای طلا و جواهرات، و حتی بخشی از جهیزیه خود، به پشتیبانی مالی از رزمندگان پرداختند. علاوه بر این، با ایجاد مراکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی و تهیه ملزومات جنگی، به طور مستقیم در پشت جبهه‌ها حضور داشتند و نقش مؤثری در این زمینه ایفا کردند.

جزئیات نقش زنان در کمک مالی دفاع مقدس:

جمع‌آوری کمک‌های مردمی :

زنان با تشکیل ستادهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی، به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی از مردم پرداختند و این کمک‌ها را به جبهه‌ها ارسال می‌کردند.

- اهدای طلا و جواهرات

بسیاری از زنان با اهدای طلا، جواهرات و سایر دارایی‌های خود، به تأمین مالی جنگ کمک کردند.

- اهدای بخشی از جهیزیه

برخی از زنان با اهدای بخشی از جهیزیه خود، به تأمین نیازهای جنگ و رزمندگان کمک می‌کردند.

ایجاد مراکز جمع‌آوری کمک

- زنان با ایجاد و سازماندهی مراکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی، نقش مهمی در جمع‌آوری و توزیع این کمک‌ها داشتند.

-تهیه ملزومات جنگی

زنان با تهیه پوشاک، غذا و دارو برای رزمندگان، به طور مستقیم در پشتیبانی از جبهه‌ها حضور داشتند.

- حضور در پشت جبهه‌ها

زنان با فعالیت در پشت جبهه‌ها و ایجاد روحیه و انگیزه در رزمندگان، از لحاظ معنوی نیز از جنگ پشتیبانی می‌کردند.

- حمایت از خانواده‌های رزمندگان

زنان با حمایت از خانواده‌های رزمندگان، به آنها دلگرمی می‌دادند و از این طریق، به حفظ روحیه رزمندگان در جبهه‌ها کمک می‌کردند.

امدادگری زنان در دفاع مقدس

در طول هشت سال دفاع مقدس، زنان نقش پررنگی به عنوان امدادگر و کادر درمانی در جبهه‌ها و پشت جبهه ایفا می‌کردند. بیش از نیمی از ۵۰ هزار کادر پزشکی و پرستاری که در این دوران فعالیت می‌کردند، زنان بودند.

نقش زنان به عنوان امدادگر و کادر درمانی:

-ارائه خدمات درمانی

زنان امدادگر در بیمارستان‌ها، مراکز درمانی صحرایی و حتی در خط مقدم به مجروحان جنگ خدمات درمانی ارائه می‌کردند.

-آموزش و کمک به مجروحان

برخی از زنان با شرکت در دوره‌های آموزشی، مهارت‌های امداد رسانی و کمک‌های اولیه را فرا گرفته و در زمان جنگ به کمک مجروحان می‌شتافتند.

- پشتیبانی روانی

زنان در دوران دفاع مقدس با حمایت روانی از رزمندگان و خانواده‌های شهدا، نقش مهمی در حفظ روحیه و ایستادگی در برابر سختی‌ها داشتند.

بانوان آزاده

نقش بانوان آزاده در طول تاریخ و به ویژه در دوران جنگ تحمیلی بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. آن‌ها نه تنها در پشت جبهه به عنوان حامی و پشتیبان رزمندگان عمل می‌کردند، بلکه در خط مقدم نیز با شجاعت و ایثار به دفاع از میهن پرداختند. برخی از زنان نیز به اسارت دشمن درآمده و با مقاومت و صبر خود، الگویی برای دیگران شدند.

نقش زنان آزاده در دوران جنگ تحمیلی:

مقاومت و پایداری

زنان آزاده با وجود سختی‌ها و فشارهای اسارت، هرگز امید خود را از دست ندادند و با حفظ روحیه و ایمان، نماد مقاومت و پایداری شدند.

حمایت از رزمندگان

زنان در پشت جبهه‌ها با تمام توان خود به رزمندگان کمک می‌کردند و نقش مهمی در تأمین نیازهای آنها داشتند.

حضور در خط مقدم

برخی از زنان با حضور در خط مقدم، به عنوان امدادگر، پرستار و حتی رزمنده، در دفاع از کشور شرکت کردند.

الگوپردازی

زنان آزاده با صبر و شکیبایی خود، به دیگران آموختند که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان با ایمان و امید به پیروزی دست یافت.

نقش تربیتی

زنان آزاده با تربیت نسل آینده، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دفاع مقدس و فرهنگ مقاومت دارند.

وحشت حکومت از نقش زنان

در قیام‌های اخیر، حضور زنان در خط مقدم اعتراضات باعث وحشت حکومت شده است.

نقش زنان آزاده در زمان حال:

الگوپردازی

– زنان آزاده همچنان به عنوان الگوهای مقاومت و پایداری در جامعه مطرح هستند.

مشارکت در عرصه‌های مختلف

زنان آزاده در حال حاضر در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت فعالی دارند.

حضور در قیام‌ها

زنان آزاده در قیام‌های اخیر نیز حضور پررنگی داشته‌اند و نقش مهمی در هدایت و پیشبرد این اعتراضات ایفا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری:

زنان آزاده با فداکاری، مقاومت و ایثار خود، نقش مهمی در تاریخ ایران و به ویژه در دوران دفاع مقدس ایفا کرده‌اند. آنها نه تنها نماد پایداری و ایستادگی هستند، بلکه با تربیت نسل‌های آینده، فرهنگ مقاومت را نیز زنده نگه می‌دارند.

نکته: فاطمه ناهیدی ایشان به عنوان اولین بانوی آزاده ایرانی شناخته می‌شوند که در دوران جنگ به اسارت نیروهای عراقی درآمد.

دوره چهارم

امتداد قیام زنان در جبهه مقاومت

- وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های با ارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم. (قصص ۵)
- وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۚ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ ۚ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۚ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است. و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یآوری برای تو نخواهد بود. (بقره ۱۲۰)

- إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ
در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت زا، از رفتن به جهاد] می ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید. (آل عمران ۱۷۵)
- در طول تاریخ، مقاومت در برابر ظلم و تجاوز، همواره با نام‌هایی گره خورده که نشان از شجاعت، فداکاری و استقامت دارند. اما در کنار مردانی که خط مقدم نبرد را به دوش کشیده‌اند، زنان نیز با حضور بی‌بدیل خود، نقش بی‌بدیلی در این میدان ایفا کرده‌اند. زنان جبهه مقاومت، نه تنها در دفاع از خاک و ناموس خود ایستاده‌اند، بلکه با صبر و بردباری، زخم‌های جنگ را التیام بخشیده و امید را در دل‌ها زنده نگه داشته‌اند.

این زنان، با دردهای بی‌شمار و خصومتی که متحمل گردیده‌اند، تبدیل به نمادهایی از استقامت و مقاومت شده‌اند. از مادرانی که فرزندانشان را در راه مقاومت از دست داده‌اند، گرفته تا خواهرانی که با حفظ حجاب و عفت خود، دشمن را به چالش کشیده‌اند و دخترانی که با علم و آگاهی خود، در مبارزه با ترویج تفکرات باطل و منحرف کوشیده‌اند.

این روایت، تلاشی است برای معرفی گوشه‌ای از زندگی و دستاوردهای این زنان قهرمان که در خط مقدم جبهه مقاومت بین‌الملل، با دشمنان اسلام و بشریت مبارزه می‌کنند. زنانی که با ایمان راسخ و اعتقاد به حق، در برابر ظلم و ستم ایستاده‌اند و با خون خود، حماسه‌ای جاودانه آفریده‌اند.

در این میان، نام‌هایی چون: مادران شهدا در فلسطین: زنان فلسطینی که با از دست دادن فرزندان، نه تنها تسلیم نشده‌اند، بلکه با صبر و استقامت خود، به دیگران درس مقاومت آموخته‌اند.

زینب‌ها و رباب‌های لبنان: زنانی که در برابر تجاوزات اسرائیل، با حفظ حجاب و عفت خود، به دشمن نشان دادند که مقاومت تا پای جان ادامه خواهد داشت.

زنان یمنی در برابر تجاوز سعودی: زنانی که با وجود بمباران و ویرانی‌های گسترده، با کمک به نیازمندان و حمایت از رزمندگان، در حفظ مقاومت نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

فعالان رسانه‌ای در عراق و سوریه: زنانی که با رسوا کردن جنایات تروریست‌ها و اطلاع‌رسانی صحیح، به خنثی کردن نقشه‌های دشمنان کمک می‌کنند.

تنها بخش کوچکی از این دریای خروشان از ایثار و استقامت هستند. این زنان، با وجود تمام سختی‌ها و موانع، به عنوان سربازانی در خط مقدم جبهه مقاومت، در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسانی، با تمام توان می‌کوشند. روایت زندگی این زنان، نه تنها الهام‌بخش نسل‌های آینده خواهد بود، بلکه به جهانیان نشان خواهد داد که مقاومت، تنها به مردان محدود نمی‌شود و زنان نیز می‌توانند در این عرصه، نقش‌آفرینی کنند.

امیه ناجی جباره

«امیه» اولین زن شهید عراقی است که خون پاکش با خاک میهنش آمیخته شد تا نسل‌های آینده عراق به وجود چنین زنی در تاریخ خود ببالند.

شهیده «امیه ناجی جباره» از اهالی ناحیه «العلم» استان «صلاح الدین»، مادر ۴ فرزند و فارغ التحصیل دانشکده حقوق از دانشگاه تکریت بود. او از چهره‌های شناخته شده استان «صلاح الدین» محسوب می‌شد و در سال ۲۰۱۱ مشاور استاندار «صلاح الدین» در امور زنان و رفاه اجتماعی بود. این بانوی سرشناس عراقی به هنگام یورش تروریست‌های تکفیری داعش به استان «صلاح الدین» همه‌ی مناصب اداری خود را کنار گذاشت، سلاح در دست گرفت و همچون مردان به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن تکفیری پرداخت.

«امیه» زنی از مسلمانان اهل سنت بود که با خون خود و رشادت‌هایش در دفاع از سرزمین و مقدسات نشان داد که دفاع از حق، شیعه و سنی نمی‌شناسد و وحدت تنها رمز حفظ عزت یک ملت مسلمان است.

این بانوی عراقی علاوه بر دارا بودن مناصب سیاسی در فعالیت‌های اجتماعی همچون حضور در سازمان‌های مختلف حمایت از زنان و کودکان و همچنین کمک به جنگ زدگان و آوارگان شرکت داشت.

«امیه» از کودکی شجاع و بی‌باک بود. او در خانواده‌ای متولد شد که به مقابله با گروه‌های مسلح و تروریستی مشهور است و طی سال‌های اخیر قربانیان زیادی را در راه دفاع از میهن و مقدسات تقدیم کرده است. در ابتدا پدرش «ناجی جباره» از شیوخ عشیره «الجبور» در سال ۲۰۰۶ هنگام بازگشت از حج به دست گروه‌های تروریستی القاعده ترور شد. برادرش «عبدالله جباره» نیز بعدها در حمله گروه تروریستی القاعده به ساختمان استانداری «صلاح الدین» به شهادت رسید. برادر دیگر وی سرهنگ «جاسم جباره» از مسئولین بلند پایه امنیتی در تکریت عراق است.

«امیه» که ایستادگی مقابل تروریست‌های دست‌آموز را از پدر و برادرانش آموخته بود، بعد از حمله داعش به «العلم» منطقه سکونت آنها، در کنار سایر مردم بجای عقب نشینی و ترک میدان، ماندند و در برابر دشمن ایستادگی کردند.

بعد از حمله داعش اهالی اهل سنت منطقه «العلم» به بیش از ۵۰۰ سرباز که اغلب آن‌ها شیعه و از اهالی جنوب عراق بودند پناه دادند. عشیره «الجبور» با خانواده‌های این سربازان تماس گرفتند تا از سلامتی فرزندان‌شان به آنها اطمینان بدهند. تنها در خانه شهید «امیه» ۲۵ سرباز و افسر از شهرهای «کربلا» و «نجف» پناه گرفته بودند. «امیه» تنها تلاشش این بود که به آن‌ها اطمینان بدهد همگی تحت حمایت اویند و به هیچ عنوان آنها را تسلیم داعش نخواهد کرد.

بعد از این اتفاق، تروریست‌های داعش ۵۰ خانواده از اهالی «العلم» را گروگان گرفت و با تهدید به کشتن آن‌ها وارد شهر شد.

ناحیه «العلم» به مدت ۱۳ روز با انواع حملات خمپاره ای در محاصره قرار داشت اما «امیه» و سایر هم‌رزمانش تسلیم نشدند.

سرانجام «امیه» این بانوی مقاوم و شجاع، بعد از آنکه سه تروریست داعشی را به هلاکت رساند و در حالی که تلاش می‌کرد تعداد دیگری از تروریست‌ها را هدف قرار دهد با گلوله تک‌تیرانداز دشمن به شهادت رسید.

بعد از شهادت «امیه» برادرش «خمیس» وی را به خانه برد و دو رکعت نماز شکر برای نعمت شهادتی که نصیب خواهرش شده به جای آورد.

نقش زنان فلسطینی در مقاومت

زنان فلسطینی، فاتح قله‌ها

هجوم صهیونیست‌ها به فلسطین در سال ۱۹۴۸ بر طبق طرحی از پیش برنامه‌ریزی شده بود که به سرعت در مسیر تخریب زیر بناهای اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و آموزشی به پیش می‌رفت. بنابراین برای مقابله با این دشمن و توطئه‌هایش نیاز به حضور همه مردم فلسطین اعم از زن و مرد بود. این نکته حائز اهمیت است که هوشیاری زنان فلسطینی به سال‌های قبل از ۱۹۴۸ باز می‌گردد، آن زمان که اولین دهکده‌های صهیونیست‌ها ساخته می‌شد و زنان فلسطینی برای تخریب آن دهکده‌ها تلاش می‌کردند.

هجوم صهیونیست‌ها به فلسطین در سال ۱۹۴۸ بر طبق طرحی از پیش برنامه‌ریزی شده بود که به سرعت در مسیر تخریب زیر بناهای اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و آموزشی به پیش می‌رفت؛ بنابراین برای مقابله با این دشمن و توطئه‌هایش نیاز به حضور همه مردم فلسطین اعم از زن و مرد بود. این نکته حائز اهمیت است که هوشیاری زنان فلسطینی به سال‌های قبل از ۱۹۴۸ باز می‌گردد، آن زمان که اولین دهکده‌های صهیونیست‌ها ساخته می‌شد و زنان فلسطینی برای تخریب آن دهکده‌ها تلاش می‌کردند.

به سال ۱۹۲۰ باز می‌گردیم زمانی که تازه نطفه حرام صهیونیست در آن منطقه‌ی مقدس شکل گرفت، اما هنوز توان هجوم نداشت. در همان سال زنان در اعتصاب و اعتراضی گسترده به منظور مبارزه با طرح‌های استعماری شرکت کردند و اولین اتحادیه زنان پس از آن تشکیل شد. در سال ۱۹۲۸ سازمان دیگری برای مشارکت زنان عرب تأسیس شد. تمام این اقدامات باعث شد نیروی زنان مبارز فلسطینی قدرت گیرد.

نقطه عطف این فعالیت‌ها شهادت چند تن از زنان شجاع فلسطینی در شورش سال ۱۹۲۹ بود. کنفرانسی که در اکتبر همین سال با حضور ۱۰۰ نفر از زنان برگزار شد مقدمه‌ای بود برای ملاقات هیئتی ۱۴ نفره از زنان فلسطینی با نماینده اعظم انگلیس. آن‌ها تنها یک پیام داشتند، لغو بیانیه‌ی بالفور و توقف تجاوز به فلسطین. حدود سال ۱۹۳۶ وقتی این بانوان متوجه شدند که این گونه مبارزات نتیجه چندانی ندارد به اعتصابات عمومی به مدت ۶ ماه دست زدند.

در خاطرات معصومه آباد در کتاب "من زنده‌ام" می‌خوانیم، وقتی رژیم بعث عراق از اعلام نام اسیران زن در زندان‌های مخوف، سر باز می‌زدند، آن چند دختر اسیر در شرایطی بسیار طاقت‌فرسا مجبور به اعتصاب شدند. آن‌ها زندگی در آن شرایط را مانند مرگ برای خود می‌پنداشتند. البته اعتصاب راهبردی مبارزاتی‌ست. چرا که با همین راهبرد، اغلب گشایشی ایجاد می‌شود. زنان فلسطینی نیز وقتی مسیرهای معمول مبارزاتی و گفتمانی را پیمودند، اما نتیجه نگرفتند تصمیم بر آن شد تا شکل مبارزه را تغییر دهند.

در تمام آن مدت زن‌ها برای مبارزان فلسطینی لباس می‌دوختند، اسلحه فراهم می‌کردند و همراه با آب و غذا به دستشان می‌رساندند. اولین شهید زن فلسطینی که مستقیم به دست سربازان انگلیسی به شهادت رسید فاطمه غزال بود. در سال‌های بعد روند پیوستن زنان به صف مبارزان همچنان ادامه داشت و هر روز بر آمار شهدای زن افزون می‌گشت در حدود سال ۱۹۴۸ که دیگر صهیونیست‌ها به شدت هجوم آورده بودند فعالیت زنان چهره انفعال به خود گرفت. شاید دلیل آن را بتوان در جداسازی فلسطین و اشغال قسمت میانی آن توسط اسرائیل دانست. قسمت غربی فلسطین به اردن ملحق شد و نوار غزه تحت حکومت مصر درآمد. شرایط به‌گونه‌ای شد که سطح سواد و فعالیت‌های سیاسی زنان کاهش یافت. اوضاع اقتصادی نابسامان شد این روند نیز باعث مبارزات و اعتراضات پراکنده شد. روزی مبارزه، روزی اعتصاب، روزی تظاهرات و هر چند وقت یکبار شهادت و بازداشت زنان و مردان مبارز فلسطینی.

در سال ۱۹۶۴ در پی تغییر سیاست‌های مصر و اردن، بهبودی موقعیت برای ادامه تحصیل زنان فراهم شد که منجر به تأسیس اتحادیه اصلی زنان فلسطین شد و در پی آن انجمن ملی فلسطین در اورشلیم نیز دایر گشت، اما دیری نپایید که تمام این مؤسسات با تصمیم حکومت اردن تعطیل شدند. فعالیت‌ها در وجوه دیگر مانند مراکز خیاطی و یا کلاس‌های پرستاری ادامه یافت.

هر روز اوضاع بر فلسطینیان تنگ‌تر می‌شد. بی‌اطلاع نگه‌داشتن مردم، ممانعت از تحصیل، سنگ‌اندازی‌های شغلی، اخراج معلم‌ها، تعطیلی دانشگاه‌ها و در آخر تحت فشار قرار دادن ساکنین فلسطین و اجبار آن‌ها به مهاجرت از جمله مصائبی بود که هر روز سایه‌اش بر سر مردم مظلوم فلسطین سنگینی می‌کرد. با تمام این مسائل، زنان هر روز انگیزه‌شان برای مبارزه دوشادوش مردان افزون می‌گشت. عملیات‌های انفجار بمب در مناطق حساس، شرکت در عملیات‌های بزرگ نظامی، شعار نویسی بر دیوارها، از مشارکت آن‌ها بود.

در سال‌های ۱۹۷۰ یعنی همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد زنان مبارز افزایش یافت. آن‌ها به تحصیل پرداختند و در مشاغل حرفه‌ای مشارکت پیدا کردند. حفظ حجاب برای این زنان از اهم امور بود. امتناع از ازدواج‌های خارج از روابط اصولی و فکر کردن درباره‌ی مسائل مهم روز، به جای سرگرم شدن به مدهای جدید از دیگر خصوصیات آن‌ها بود. فعالیت‌های فرهنگی، مراکز سوادآموزی، تشکیل گروه‌های تئاتر، تأسیس کتابخانه‌ها و انجام تحقیقات تاریخی و اجتماعی رونق گرفت.

به نظر می‌رسد سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی این فضا برای آنان بسیار بیشتر میسر شد، چرا که فلسطین یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است. حمایت از فلسطین در عرصه‌های گوناگون سیاسی، دیپلماسی و افکار عمومی توأم با تهاجم و دشمنی با رژیم صهیونیستی از پیش از آغاز انقلاب اسلامی توسط امام خمینی تبیین می‌شدند و تا پیروزی آن به منزله یک آرمان و راهبرد غیر قابل خدشه پیگیری می‌شدند. از سوی دیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خون تازه‌ای در رگ‌های فلسطینیان جریان گرفت. تا جایی که رهبران فلسطینی اظهار می‌داشتند انقلاب اسلامی ایران ضامن پیروزی ماست.

یکی از مهمترین تأثیرات بنیادین انقلاب اسلامی بالاخص در مسئله فلسطین بازگشت اسلام به بطن مبارزه بود. چرا که در حدود دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جریان‌های چپ و ملی‌گرای ناسیونالیسم عربی، پرچمدار مبارزه شده بودند که البته شکست‌هایی متحمل شدند. اما پس از پیروزی انقلاب در ایران روح اسلامیت به تن مبارزات فلسطینی دمیده شد. تشکیل گروه جهاد اسلامی با رهبری شهید فتحی شقاقی یکی از این نمونه‌هاست و بعد از آن، حمایت‌های سیاسی و نظامی و مالی همگی نمونه‌های دیگری از اقدامات عملیاتی ایران در حمایت از مقاومت فلسطین بوده است.

در دهه ۸۰ زنان فلسطینی همزمان با تشدید سرکوب اسرائیل هوشیارتر از پیش عمل کردند. آن‌ها مجبور بودند هم معیشت خانواده را در غیاب مردان خود مدیریت کنند، زیرا مردان آنان یا در اسارت به سر می‌بردند یا تبعید شده بودند یا به شهادت رسیده بودند. آن‌ها علاوه بر مسئولیت نان‌آوری که داشتند باید به عنوان مادر یک خانواده، حافظ باقی اعضای خانواده بوده و از همه مهمتر انتقال دهنده فرهنگ و هویت مردم فلسطین از نسلی به نسل دیگر می‌شدند.

به این ترتیب زنان فلسطینی نقشی محوری در انتفاظ ایفا کردند آن‌ها با تجربه‌ای که داشته‌اند توانستند در مسیر تلاش فلسطین برای رها شدن از وابستگی به اسرائیل کارهای بزرگ انجام دهند. تأمین نیازهای بهداشتی، امدادرسانی و کشاورزی و احیای زمین‌های بایر برای اقتصاد خانوارها از این نمونه‌هاست. در ابعاد دیگر در تظاهرات شرکت می‌کردند و با پرتاب سنگ و اقدامات دفاعی به جوانان فلسطینی کمک می‌نمودند.

با بررسی تمام این هفت دهه مبارزات زنان فلسطینی در گذر زمان و با وجود بررسی موانع و چالش‌های گوناگون در زندگی مبارزاتی آن‌ها شاهد قدرت حیرت آور و هوش بالای اجتماعی این بزرگ بانوان هستیم. به عبارت دیگر یکی از مقامات زن حضور او در صحنه سیاسی و اجتماعی است و از آنجا که دین اسلام یک مکتب اجتماعی است یک سلسله وظایفی را به عنوان مسائل اجتماعی برای مسلمانان اعم از زن و مرد در نظر گرفته است.

آنان که نبوغ این را ندارند و به عبارتی تک‌اندیش هستند، خطوط کلی اجتماعی را درک نمی‌کنند یا توان یاری رساندن به این خطوط را ندارند در جرگه‌ی مؤمنین واقعی قرار ندارند، اما اگر کسی اهل قیام و اقدام باشد، بی‌گمان مسئله هویت اجتماعی برای او روشن است و همواره در این امر حضور دارد؛ بنابراین آنچه از بانوان فلسطینی می‌دانیم این است که ایشان در راه مبارزه علیه استکبار و حضور مستمر در خط مقاومت، تربیت نسلی صبور، مقاوم و مبارز فی سبیل‌الله و بالاتر از همه این‌ها در تحقق جلوه‌ی یک مؤمن حقیقی در رأس قله‌ها قرار دارند.

سخن مقام معظم رهبری در اجلاس زنان و بیداری

این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد. بیش از اهمیت یک اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این جهت است که فرصت شناسایی یکدیگر، پیدا کردن یکدیگر برای بانوان نخبه‌ی دنیای اسلام، در این اجلاس فراهم شده است. و این بسیار مهم است. صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی می‌کند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. صد سال تلاش شده است برای اینکه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه کنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به کار رفته است: پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی، استفاده‌ی از غرائز طبیعی جنسی انسان؛ همه‌ی اینها را استخدام کرده‌اند برای اینکه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور کنند.

امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع می‌تواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یکدیگر و چند روز گفتگو کردن اکتفا نکنید و این دیدار را مقدمه‌ی یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار بدهید که بر دنیای اسلام اثر بگذارد و می‌تواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یک تأثیر مضاعف است.

بعضی از خواهران در سخنرانیهای مفید و پخته و سنجیده‌ای که بیان کردند، پیشنهادهایی را مطرح کردند. ما با دنبال کردن این پیشنهادها موافقیم.

یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه‌ی مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن یک نگاه اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. غربیها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه‌ی جنایات خود نامهای زیبا گذاشتند.

اگر قتل کردند، اگر غارت کردند، اگر به بردگی کشیدند، اگر ثروتهای ملتها را مصادره کردند، اگر جنگهای تحمیلی میان ملتها به وجود آوردند و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه‌ی اینها نامهای خوش‌ظاهر و فریبنده گذاشتند؛ نام آزادی طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهت‌گیری فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این، آزادی نیست.

اساس فرهنگ غرب این است که زن را به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله‌ی تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریص بر عریان‌گرایی به این جهت است. در غرب، زن‌آزاری در طول صد سال و دویست سال گذشته افزایش پیدا کرده است، کاهش پیدا نکرده است. آزادی جنسی و بی بند و باری جنسی در غرب

موجب نشده است که دیگ شهوتِ بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتد. قبلاً این جور تبلیغ می کردند، می گفتند بگذارید زن و مرد در جامعه روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی کم بشود؛ عملاً معلوم شد که قضیه بعکس است. هر چه آزادی روابط زن و مرد در جامعه بیشتر بشود، با وضعی که به وجود آوردند، حرص شهوانی بشر بیشتر می شود.

امروز غریبه‌ها خجالت نمی کشند و مسئله‌ی همجنس‌بازی را به عنوان یک ارزش مطرح می کنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانیاش می نشیند، اما آنها خجالت نمی کشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط، نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده‌ی به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکمترین ادله می توانیم اثبات کنیم.

زن در محیط اسلامی رشد علمی می کند، رشد شخصیتی می کند، رشد اخلاقی می کند، رشد سیاسی می کند، در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدم قرار می گیرد، در عین حال زن باقی می ماند. زن بودن، برای زن یک نقطه‌ی امتیاز است، یک نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.

فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به مرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت.

اسلام با نظر کرامت به زن نگاه می کند. همه‌ی خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اتصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. خصوصیات جسمیای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هرکدام نقشی در ادامه‌ی آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهمتر است.

مهمترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولید مثل؛ نقش زن در این کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانه از این جهت مهم است، خانواده از این جهت مهم است، محدودیتهای اعمال غرائز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد. غرب گمراه، اسم اینها را می گذارد محدودیت. اسم آن اسارت گمراه‌کننده را میگذارد آزادی! این جزو فریبهای غربی است. این یک نکته درباره‌ی مسئله زن.

شما بانوان نخبه، دختران نخبه، جوانان نخبه، یکی از مهمترین مسئولیت‌هایتان امروز این است که نقش زن را از دیدگاه اسلام ترسیم کنید، برجسته کنید، روشن کنید؛ تربیت انسانی زن بزرگترین خدمت به جوامع انسانی و

اسلامی است؛ این حرکت باید راه بیفتد. البته راه افتاده است، باید تشدید بشود، باید فراگیر بشود، باید پیش برود و شما در این حرکت، بدون تردید پیروز خواهید شد. یک کار اساسی این است.

مطلبی دیگر در مورد نقش زنان در تحولات اجتماعی است؛ در انقلابها، در همین حرکت بیداری عظیم اسلامی. من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند

زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدانها و جبههها آماده می کنند و تشجیع می کنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمی داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمی شدیم.

زن‌ها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق می کرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود.

نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زن‌ها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزیها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.

یک نکته‌ی دیگر، کلمه‌ی دیگر، در مورد اصل مسئله‌ی بیداری اسلامی است.. این حادثه‌ی بزرگی که در دنیای اسلام به وجود آمده است که از تونس شروع شد و در مصر عظمتی پیدا کرد و بعد به کشورهای دیگر منتقل شد، این یک حادثه‌ی عجیبی است، نظیر ندارد؛ در تاریخ ما هر چه انسان نگاه می کند، این حادثه یک حادثه‌ی عظیمی است، حادثه‌ی معمولی نیست.

این حادثه می تواند مسیر دنیا را عوض کند، می تواند تسلط ظالمانه‌ی استکبار و صهیونیسم را بر دنیای اسلام که سالهای متمادی است ادامه دارد، قطع کند، می تواند امت اسلامی را متشکل کند؛ به شرط اینکه تداوم پیدا کند. حرکت‌های اسلامی دارای موفقیت‌هایی هستند و در خطر شکست‌هایی هستند؛ آسیبهایی متوجه اینها می شود، باید این آسیبه‌ها را شناخت و از آنها پیشگیری کرد.

امروز خوشبختانه ملت‌های مسلمان در شمال آفریقا خوش درخشیدند، خوب حرکت کردند. حرکت، حرکت عظیمی است و بحمدالله تا امروز حرکت موفق بوده است؛ لکن توجه کنید که غرب و در رأس آنها آمریکا و صهیونیسم با همه‌ی وجود به میدان آمده‌اند و بیشتر به میدان خواهند آمد تا بتوانند این حرکت را مهار کنند و بر این امواج سوار بشوند؛ ملت‌ها باید بیدار باشند. آنها غافلگیر شدند. نمی‌توانستند و نتوانستند پیش‌بینی کنند این غافلگیری مکر الهی است. "و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین"

در قضیه‌ی لبنان هم با غلبه‌ی جوانان مقاوم لبنانی بر ارتش مسلط مسلح صهیونیستی غافلگیر شدند. در انقلاب اسلامی ایران در سی و سه سال قبل از این هم غافلگیر شدند. این غافلگیری‌ها ادامه داشته است. در این حوادث غافلگیر شدند و نتوانستند پیش‌بینی کنند و پیشگیری کنند، لکن در صدد تدارکند. یکی از کارهایشان این است که انگیزه‌های مردم را کم کنند. جوانان دنیای اسلام - چه زنان، چه مردان و نخبگان دنیای اسلام و بخصوص کوشورهائی که انقلاب کردند باید بدانند که اگر در صحنه بایستند و مقاومت کنند، پیروزی آنها بر همه‌ی ساز و برگ استکبار قطعی است.

همه‌ی ابزارهای اقتدار قدرتهای استکباری در مقابل حضور مردم، در مقابل ایمان ملت‌ها کند است، ناکارآمد است. پول دارند، سلاح دارند، بمب اتم دارند، ارتشهای مجهز دارند، وسائل دیپلماسی دارند، اما همه‌ی اینها در مقابل ایمان ملت‌ها ناکارآمد است. مراقب باشید که این ایمان از دست نرود؛ با ایجاد اختلاف، با سرگرم کردن و مشغول کردن، جوانها را یک جور، پیرها را یک جور، مذهبی‌ها را یک جور، غیر مذهبی‌ها را یک جور. اجتماع مردم بر اساس شعارهای دینی و اسلامی، تنها چیزی است که می‌تواند این ملت‌ها را پیش ببرد. و ما تجربه‌ی ممتد و طولانی‌ای در این زمینه داریم.

خواهران عزیز من! فرزندان عزیز من! ما سی و سه سال است مواجه‌ایم با دشمنیهای استکبار. امروز جنجالهای جهانی و سر و صدای تبلیغات جهانی متوجه شده است به اینکه ما ایران را تحریم کردیم. آنها نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند که سی سال است ما را در مقابل تحریم واکسینه کردند. ما سی سال است تحریمیم. ما واکسینه شدیم در مقابل تحریم. تحریم به ما ضربه نمی‌زند. ملت ایران ایستاد. ملت ایران با جان خود، با مال خود، با عزیزترین عزیزان خود در مقابل توطئه‌های دشمن ایستاد.

امروز ما نسبت به سی سال قبل صد برابر قویتر و جلوتر هستیم. امروز ما در میدان علم، در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در مدیریت کشور، در بصیرت عمیق مردمی، بمراتب جلوتر هستیم از روزهای اول انقلاب و این در چالش با دشمنی دشمنان، برای ملت ایران حاصل شده است.

امروز زن مسلمان در کشور ایران، یک موجود سرافراز و عزتمند است. هزاران وسیله‌ی تبلیغی، بمباران خبری می‌کنند برای اینکه این واقعیت را واژگون جلوه بدهند؛ اما حقیقت این است. امروز مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین

زنان ما، زنان تحصیلکرده‌ی ما هستند. زنان جوان ما در پیچیده‌ترین آزمایشگاهها و مراکز علمی تجربی و انسانی حضور دارند و فعالند.

فعالترین زنان ما در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی مدیریتهای اجتماعی، زنان مؤمن و انقلابی ما هستند؛ دارای تحصیلات خوب، دارای اندیشه‌ی عمیق، پیشرفتهای ملت ایران به خاطر ایستادگی است. اگر یک ملتی ایستادگی کند برای خدا و در راه خدا، خدا به او کمک خواهد کرد.

این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی تخلف‌ناپذیر است. دستگاههای استکبار و سیاستهای استکباری همه‌ی تلاش خودشان را به کار بردند که جمهوری اسلامی را منصرف کنند از حمایت فلسطین. ما ایستادیم پای مسئله‌ی فلسطین. سعی کردند مسئله‌ی مذهبی و طائفی را بزرگ کنند؛ جمهوری اسلامی در کنار برادران مسلمان خود از هر مذهب، از شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی ایستاد. هر جا حرکت اسلامی است، هر جا دفاع از هویت اسلامی است، هر جا دفاع از مظلوم است، جمهوری اسلامی آنجا حاضر است و حاضر خواهد بود و آمریکا و صهیونیسم و شبکه‌ی فاسد سیاسی مستکبرین نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و نخواهند توانست.

ما به توفیق الهی، در کنار ملت فلسطین ایستادیم، در کنار ملتهای انقلاب‌کرده‌ی مسلمان ایستادیم، در کنار مردم مظلوم بحرین ایستادیم، در کنار همه‌ی کسانی که در مواجهه‌ی با آمریکا و صهیونیسم قرار دارند، ما ایستادیم و از آنها دفاع می‌کنیم و در این مورد از هیچ کس و هیچ قدرتی ملاحظه نمی‌کنیم.

آنچه که خدای متعال نصیب ما و نصیب ملتهای مسلمان کرده است، لطف الهی است، رحمت الهی است و باید کاری کنیم که شایسته‌ی رحمت الهی باقی بمانیم و از خدای متعال بخواهیم که موجبات رحمت خود و تفضلات خود را به ما عنایت کند و ان‌شاءالله همین هم خواهد بود این حرکت بانوان مسلمان، این آشنائی با یکدیگر از سرتاسر دنیای اسلام را مغتنم بشمرید و این را یک پایه‌ای قرار بدهید برای یک حرکت عظیم در میان امت اسلامی که ان‌شاءالله به پیروزیهای بزرگتری منتهی خواهد شد.

دکتر مروه شربینی پزشک ۳۳ ساله مصری که همراه شوهر و پسر خردسالش در آلمان زندگی می‌کرد، به خاطر پایبندی به حجاب اسلامی در دادگاهی در شهر «درسدن» آلمان هدف حمله «الکسی دبلیو» نژادپرست ۲۸ ساله آلمانی قرار گرفت و با هجده ضربه کارد شهید شد. مروه بارها توسط این همسایه نژادپرست روس تبار تهدید شده و «تروریست» لقب گرفته بود. او بارها روسری از سر مروه کشیده و مزاحم بازی او و پسرش در پارک شده بود.

هنگامی که دادگاه رأی به نفع مروه و جریمه هفتصد و پنجاه یورویی برای الکس آلمانی صادر کرد، او از خشم به مروه حمله کرد و این اقدام ننگین را آن هم در دادگاهی که گویا بی‌صاحب است و حفاظت و دستگاه امنیتی ندارد، مرتکب شد. جالب این است که وقتی «علوی عکاز» شوهر مروه برای دفاع از همسرش به یاغی آلمانی حمله کرد، نه تنها مورد اصابت چاقو قرار گرفت بلکه پلیس دادگاه به جای فرد مجرم او را با تیر هدف قرار داد. در پی این اقدام علوی عکاز به کما رفته و بعدها متوجه شهادت همسر و طفل به دنیا نیامده‌اش شد. مصطفی پسر کوچک خانواده نیز در این میان دچار مشکل روحی شده و زیر نظر روانشناس قرار گرفت.

واکنش مردم مصر قاتل مروه شربینی هنگامی که پیکر مروه روز شنبه ششم جولای ۲۰۰۹ وارد قاهره شد، جمعیتی عظیم او را تشییع کرده و علیه آلمان شعار سر دادند. فریادهای «مرگ بر آلمان» باعث مداخله پلیس رژیم مبارک، دیکتاتور مخلوع مصر، شد و تشییع‌کنندگان پراکنده شدند.

پیکر مروه پس از انتقال به زادگاهش «اسکندریه» در مسجد «قائد ابراهیم» در منطقه «الرمل» اسکندریه قرار گرفت تا نماز میت بر آن اقامه شود. جمعیت طوری موج می‌زد که تنها سه هزار نفر به اندازه ظرفیت مسجد موفق به حضور در داخل مسجد شدند. آنها بعد از نماز با شعارهای «الله اکبر» و «حسبنا الله و نعم الوکیل» خواهان قصاص قاتل آلمانی مروه شدند (چیزی که در قوانین غربی به اسم «جلوگیری از خشونت» وجود ندارد).

علی شربینی پدر مروه در مورد دخترش می‌گوید: «پایبندی دخترم به حجاب در آلمان باعث شده بود که به رغم داشتن تحصیلات عالیه نتواند شغلی پیدا کند. هر وقت که سوابق تحصیلاتی و کاری خود را برای تصدی شغلی به داروخانه یا یک مؤسسه پزشکی می‌فرستاد سوابق او را پس می‌فرستادند و از او می‌خواستند که «عکس بدون حجاب برایشان ارسال کند! و بالطبع چون دخترم به حجاب متعهد بود شغل مورد نظر را از دست می‌داد زیرا او یک مسلمان باحجاب و از نظر آنان یک تروریست بود.

یک سال و نیم قبل از این اتفاق دخترم تلفنی جریان مزاحمت‌های همسایه نژادپرستان را با من در میان گذاشت. که بارها این فرد اقدام به کشیدن روسری و برداشتن حجاب از سر دخترم کرده و او را تروریست خوانده بود. مروه هم به دادگاه شکایت کرد و ما هرگز تصور نمی‌کردیم این شکایت، تعصب فرد نژادپرست را تا حدی تحریک کند که دختر و نوه‌ام را که هنوز متولد نشده بود با هم به شهادت برساند».

رزان النجار

رزان النجار (زاده ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۶ - درگذشته ۱ ژوئن ۲۰۱۸) یک پرستار و امدادگر فلسطینی بود که در نوار غزه زندگی می‌کرد. وی در جریان اعتراضات مرزی غزه توسط تک‌تیراندازهای ارتش اسرائیل به ضرب گلوله کشته شد. رزان در روستایی نزدیک مرز اسرائیل زندگی می‌کرد و در زمان شهادتش در حال امدادسانی به مجروحان بود.

رزان النجار به عنوان یک نماد برای تظاهرات «بازگشت» شناخته می‌شود. وی در زمان شهادت لباس پرستاری بر تن داشت. گزارش‌های بسیاری از جمله گزارش‌های خبری و بیانیه‌های گروه‌های فلسطینی، بر کشته شدن وی توسط نیروهای اسرائیلی تاکید دارند.

جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین این حادثه را محکوم کردند و آن را جنایتی از سوی اسرائیل دانستند. جنبش حماس تاکید کرد که خون رزان النجار باید جهانیان را از جنایات اسرائیل آگاه کند.

گفته می‌شود رزان النجار یکی از اولین داوطلبانی بود که برای امدادسانی به مجروحان در اردوگاه معترضان خان یونس حضور داشت. او در آخرین پست فیس‌بوکی‌اش نوشته بود: «نمی‌روم. برمی‌گردم. مرا هدف بگیر. نترسیده‌ام. هر روز در سرزمینم خواهم بود، با آرامش و به همراه خانواده‌ام. همه با هم ادامه خواهیم داد.

گلوله تک‌تیراندازی که به سینه رزان خورد، کمرش را شکست و منجر به مرگ او شد. دقایق آخر از تلاش تیم امدادی برای زنده نگه داشتنش در فیلم کوتاهی که با موبایل فیلمبرداری شده، در اینترنت هزاران بار دیده شده است. هشتگ‌های #رزان_نجار و #رزان_اشرف به انگلیسی و عربی بارها برای حرف زدن از سوگ او مورد استفاده قرار گرفته است و کاربران با انتشار عکس‌های او در حال عزاداری هستند.

هبه ابوندى روز ۲۰ اکتبر، در همان روز که به شهادت رسيد در صفحه فیس‌بوک خود نوشته بود: «به خدا قسم، ما در غزه يا شهيديم و يا شاهد آزادی خود، و همگی صبر می‌کنیم تا ببینیم که کجا خواهیم بود. خداوندا همگی انجام وعده حق تو را انتظار می‌کشیم.

ابوندى در انتشار سه مجموعه شعر مشارکت داشت و در سال ۲۰۱۷ اولین رمانش با عنوان اکسیژن برای مردگان نیست حائز مقام دوم در مسابقه «جایزه شارجه» برای خلاقیت شد.

او همچنین در مسابقه‌ای که به یادبود «ناهید الرئیس» نویسنده فلسطینی برگزار می‌شود در بخش داستان کوتاه حائز مقام اول شده بود.

موضوع رمان اکسیژن برای مردگان نیست حوادث فلسطینی و انقلاب‌های عربی است و آرزوی مشترک این مردمان برای دستیابی به آزادی و عدالت را همچون آتشی سوزان در دل ملت‌ها به تصویر می‌کشد.

بسیاری از مردم در شبکه‌های اجتماعی یاد او را گرامی داشتند و برخی او را «دختر غزه»، «جنگجوی امید» و «نویسنده خاص» نامیدند.

آنتونی آناکساگورو شاعر، نویسنده و ناشر بریتانیایی - قبرسی، حاتم الاطیر شاعر فلسطینی و تعدادی دیگر از شعرا و نویسندگان جهان به شهادت هبه ابوندا واکنش نشان داده‌اند.

رئیس حوزه هنری هم در پیامی شهادت جمعی از هنرمندان فلسطینی را به هنرمندان جهان اسلام به ویژه مردم مظلوم فلسطین تسلیت گفت.

در پیام محمد مهدی دادمان آمده است: شهادت هنرمند درد آشنای متهد، در میدان دفاع از شرف و عزت و در امتداد رسالتش سرخ و سوزنده است تا شاید اندیشه‌های مریض، چشمان دنیا زده، قلم‌های منفعل و کلمه‌های منحرف به خود بیایند.

هبه در مقدمه کتابش (اکسیژن برای مردگان نیست) می‌گوید: «چنگال‌هایتان را از گوشت ما بیرون بکشید، دست از گندم‌های ما بکشید، گریبان بال‌هایمان را رها کنید... نمی‌توانید این انقلاب را متوقف کنید، بر شما در شهرهای حفاظت شده‌تان دست می‌یابیم، شما را به بدن‌هایمان، و چشمانمان، و رویاهایمان، و انقلابمان محاکمه می‌کنیم.»

ریچل کوری

ریچل کوری متولد ۱۰ آوریل ۱۹۷۹ در المپیا، واشنگتن بود. او کوچک‌ترین فرزند از سه فرزند کریگ و سینی کوری بود که خانواده‌شان را «آمریکایی متوسط، از نظر سیاسی لیبرال، از نظر اقتصادی محافظه‌کار و طبقه متوسط» توصیف می‌کردند.

اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، در چارچوب برنامه‌های توسعه صلح و گفت‌وگو از این اتفاق‌ها زیاد می‌افتاد که جوانان آمریکایی را برای اردوهای کالج به فلسطین اشغالی بفرستند، ریچل در ۲۰۰۳، به عنوان بخشی از پروژه شهرهای خواهرخوانده به فلسطین سفر کرد تا سال آخر کالج خود را برای ارتباط زادگاهش با رفح (واقع در نوار غزه) کار کند.

او در طول اقامت خود در رفح، با اعضای جنبش همبستگی بین‌المللی، یک سازمان غیردولتی حامی فلسطین، تعامل داشت و از جمله کسانی بود که نمی‌توانست آنچه در فلسطین رخ می‌دهد را تحمل کند، این بی‌تابی تا آنجا پیش رفت که یک روز اول بهار، جمعه ۱۶ مارس، یک تظاهرات مسالمت‌آمیز در برابر یک خانه که نیروهای اشغالگر قصد تخریب آن را داشتند به راه انداخت و آن قدر رو به روی بولدوزر اسراییلی ایستاد تا بولدوزر تصمیم گرفت از روی او رد شود و تخریب خانه را ادامه دهد.

آنچه که از پیکر او زیر بولدوزر و آوار خانه باقی مانده بود، توسط مردم غزه قدر دید، مردم فلسطین هنوز هم او را «شهید» می‌نامند. علاوه بر تشیع جنازه عظیمی که برای او گرفته شد، حالا هر سال در نزدیکی خانه‌ای که او سعی داشت با تن خودش از آن محافظت کند، یک جام ورزشی برگزار می‌شود تا یاد او زنده نگه داشته شود.

پس از دو دهه از مرگ ریچل، جام فوتبالی که به یاد او برگزار می‌شود ۳۲ تیم شرکت‌کننده دارد و مهم‌ترین رقابت ورزشی نوار غزه محسوب می‌شود. علاوه بر فوتبال جام ریچل رقابت‌های تنیس روی میز و ورزش‌های رزمی را هم شامل می‌شود.

اعضای خانواده ریچل بعد از مرگ او همچنان با رفح و مردم فلسطین در تماس هستند، آنها سال ۲۰۱۳ به عنوان میهمان ویژه تماشاجی جام ریچل بودند، و همه تبدیل به بخشی از تاریخ و هویت شهر رفح شده‌اند. دعوای حقوقی در مورد قتل ریچل علیه دولت اسرائیل حالا عمری ۱۸ ساله دارد. خانواده او در سال ۲۰۰۵، یک شکایت مدنی علیه اسرائیل تنظیم کردند و مسمومیت مرگ را به عهده دولت اسرائیل گذاشتند، آنها برای مرگ او غرامت خواستند، اما تنها «یک دلار». دادگاهی که به این شکایت رسیدگی می‌کرد در سال ۲۰۱۲ حکم داد که دولت اسرائیل در مرگ او مسئولیتی ندارد، عفو بین‌الملل و سازمان‌های حقوق بشری دیگری که در مورد فلسطین کار می‌کنند حکم این دادگاه را به شدت محکوم کردند.

آیات القرمزی

آیات القرمزی (به عربی: آیات القُرمزی) یک شاعر و فعال سیاسی بحرینی است که در روستای صدد به دنیا آمده است. او در جریان اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه حکومت بحرین در سال ۲۰۱۱، به دلیل سرودن و خواندن شعرهای اعتراضی بازداشت و زندانی شد. جرم "آیات" خواندن یک شعر علیه حمد بن خلیفه دیکتاتور بحرین در میدان لؤلؤ بود.

آیات القرمزی بعد از خواندن اشعاری در ذم آل خلیفه در میدان لؤلؤه منامه، بارها نامه‌ها و ایمیل‌های تهدیدآمیز دریافت کرد؛ تا اینکه در اواخر ماه مارس - (اوایل فروردین) مزدوران حکومت بحرین با حمایت دژخیمان آل سعود دو بار به منزل شاعر جوان بحرینی یورش بردند مزدوران پس از ناکامی در دستگیری آیات خانواده و بستگان وی را تهدید کردند که محل اختفای آیات قرمزی را به آنها بگویند و گرنه خانه را بر سرشان خراب خواهند کرد.

مادر آیات قرمزی می‌گوید: "پس از حمله پلیس، ما اطلاعی از مخفیگاه دخترم نداشتیم؛ لذا برای یافتن وی به جستجو پرداختیم. پلیس هم می‌گفت اطلاعی از وی ندارند و نیروهای امنیتی آل خلیفه کوشیدند ما را مجبور کنند که روی یک ورقه بنویسیم که آیات قرمزی مفقود شده است". این در حالی بود که آیات از سوی مزدوران دژخیم بازداشت شده و تحت شکنجه و آزار قرار داشت.

حدود پنج روز پیش شخص ناشناسی با خانواده آیات تماس گرفت و اعلام کرد که وی به کما رفته و در بیمارستان ارتش بستری است. بعد از این تماس، پزشکان بیمارستان ارتش نیز تأیید کردند که آیات القرمزی بعد از شکنجه و تجاوزهای مکرر، به کما رفته است.

با این حال، در روزهای گذشته، اخباری در مورد شهادت "آیات" منتشر شد، اما اگر چه پس از آن برخی رسانه‌ها خبر شهادتش را منتشر کردند ولی خانواده او این خبر را تکذیب می‌کنند و می‌گویند دخترشان همچنان در زندان آل خلیفه است. آیات القرمزی به دلیل جسارت و شجاعتش در ابراز عقاید و انتقاداتش از حکومت بحرین، در میان فعالان حقوق بشر و حامیان آزادی بیان شناخته شده است.

آیات الاخرس

ایات الاخرس منزل خانواده اخرس درحالی که آماده برگزاری جشن عروسی دختر ۱۸ساله‌شان بود، حالا پذیرای تعداد زیادی از مردم فلسطین است که برای عرض تسلیت و بزرگداشت نوعروس خانواده به آنجا آمده بودند.

«آیات الاخرس» اهل اردوگاه الدهیشه در نزدیکی بیت الحم، چهارمین فرزند یک خانواده ۹ نفره بود. او در مقطع سوم متوسطه درس می‌خواند و قرار بود تا چند روز آینده به خانه بخت برود.

با شروع انتفاضه‌الاقصى او تلاش کرد تا آرزویش یعنی انجام عملیات استشهادی را عملی کند اما دختر بودن، مانع از پذیرش او می‌شد.

بعد از انجام عملیات شهادت‌طلبانه توسط شهید وفا ادیس (اولین زن استشهادی فلسطین) آیات کم کم به آرزوی دیرین خود نزدیک می‌شد.

او چند روز پیش از انجام عملیات در مقابل دوربین ایستاد و گفت: «ارتش‌های عرب به دختران فلسطینی نگاه کنند و مبارزه را از آنها یاد بگیرند.»

مادرش می‌گوید: «آیات برخلاف عادت، صبح زود از خواب بیدار شد، هر چند دیشب خواب چشمانش را نگرفته بود. نماز صبح را خواند و به تلاوت قرآن پرداخت. لباس مدرسه پوشید تا به مدرسه برود. من به او گفتم روز جمعه کدام مدرسه باز است؟ گفت: امروز مهم‌ترین روز زندگی‌ام است.» آیات در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۲ درحالی که یک بمب قوی همراه خود داشت، وارد فروشگاه‌های در کریات یوفیل در شهر قدس شد و با انفجار آن بمب ۲ صهیونیست اشغالگر را کشت و ۲۲ نفر را مجروح کرد.

حنان اشراوی حنان داود میخائیل اشراوی (متولد ۱۸ اکتبر ۱۹۴۶ در رامالله) از برجسته ترین چهره های فلسطینی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و علمی به شمار می آید. از همان دوران تحصیلی خود، حنان اشراوی به فعالیت های فرهنگی و سیاسی علاقه مند شد. او مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات از دانشگاه آمریکایی بیروت کسب کرد و پس از آن دکترای ادبیات قرون وسطی را از دانشگاه ویرجینیا اخذ نمود.

پس از بازگشت به فلسطین، اشراوی به عنوان استاد در دانشگاه بیرزیت فعالیت کرد. تمرکز وی بر تحصیل و پژوهش، زمینه های فکری لازم برای ورود به عرصه های عمومی و سیاسی را برای او فراهم ساخت؛ امری که بعدها در نقشه ای متعددی از آموزش تا دیپلماسی، منعکس گشت.

در مجموع، حنان اشراوی به عنوان نمادی از مقاومت، خرد و تعهد به ارزش های انسانی و دموکراتیک، جایگاه ویژه ای در تاریخ معاصر فلسطین دارد. فعالیت های او در زمینه های سیاسی، آموزشی، حقوق بشری و فرهنگی نه تنها به بهبود وضعیت جامعه فلسطینی کمک کرده، بلکه الهام بخش نسلهای آینده فعالان مدنی، سیاسی و مطالعات فرهنگی در سطح جهان شده است.

او با برقراری ارتباط بین المللی و تلاش برای ایجاد گفتگوی سازنده، دریچه ای نو از امید و تعهد به حقوق بشر را به روی جهان گشوده است. حنان اشراوی همچنان با اندیشه های نو و گفتارهای سریع الانتشار خود، شاهدی زنده بر آن است که چگونه توانمندی های فردی و خرد جمعی می تواند سرچشمه ای برای تحولات عمیق در جامعه باشد.

دانشجویان بین‌المللی در عرصه مقاومت

زنان در فلسطین برای یک مدت طولانی در جنبش‌های مقاومت در سرزمین‌های فلسطین و همچنین در اشغال اردن، سوریه، و لبنان بودند. آنها بسیاری از سازمان‌های ناسیونالیستی فمینیستی، از جمله فدراسیون کمیته‌های عمل زنان فلسطین در کرانه باختری و غزه را تأسیس کردند.

مثلاً دردوران قیومیت بریتانیا در فلسطین، انگلیسی‌ها در سال ۱۹۳۶ روستای بقعه الغریبه را گلوله باران کردند. سپس ارتش همه مردان روستا را به اسارت گرفت و باعث شد زنان شبانه با فرزندان خود به پادگان‌های نظامی حمله کنند. تنها سلاح این زنان سنگ بود و با همان، خواستار آزادی همسران‌شان بودند.

پیام مقام معظم رهبری ""

جوانان عزیز دانشجو در ایالات متّحدهی آمریکا! این، پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. شما اکنون در طرف درست تاریخ — که در حال ورق خوردن است — ایستاده‌اید

شما اکنون بخشی از جبهه‌ی مقاومت را تشکیل داده‌اید، و در زیر فشار بی‌رحمانه‌ی دولتان — که آشکارا از رژیم غاصب و بی‌رحم صهیونیست دفاع می‌کند — مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید.

جبهه‌ی بزرگ مقاومت در نقطه‌ای دور، با همین ادراک و احساسات امروز شما، سالها است مبارزه می‌کند. هدف این مبارزه، توقّف ظلم آشکاری است که یک شبکه‌ی تروریست و بی‌رحم به نام «صهیونیست‌ها»، از سالها پیش بر ملت فلسطین وارد ساخته و پس از تصرف کشورشان، آنها را زیر سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها گذاشته است. نسل‌کشی امروز رژیم آپارتاید صهیونیست، ادامه‌ی رفتار بشدّت ظالمانه در ده‌ها سال گذشته است

فلسطین یک سرزمین مستقل است با ملّتی متشکّل از مسلمان و مسیحی و یهودی، و با سابقه‌ی تاریخی طولانی. سرمایه‌داران شبکه‌ی صهیونیستی پس از جنگ جهانی، با کمک دولت انگلیس، چند هزار تروریست را بتدریج وارد این سرزمین کردند؛ به شهرها و روستاهای آن هجوم بردند؛ ده‌ها هزار نفر را کشتند یا به کشورهای همسایه راندند؛ خانه‌ها و بازارها و مزرعه‌ها را از دست آنان بیرون کشیدند، و در سرزمین غصب‌شده‌ی فلسطین، دولتی به نام اسرائیل تشکیل دادند.

بزرگترین حامی این رژیم غاصب، پس از نخستین کمک‌های انگلیسی، دولت ایالات متّحدهی آمریکا است که پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی از آن رژیم را یکسره ادامه داده و حتّی با بی‌احتیاطی غیر قابل بخشش، راه برای تولید سلاح هسته‌ای را به روی او گشوده و به او در این راه کمک کرده است.

رژیم صهیونیست از روز اول، سیاست «مشت آهنین» را در برابر مردم بی‌دفاع فلسطین به کار گرفت و بی‌اعتنا به همه‌ی ارزشهای وجدانی و انسانی و دینی، روزبه‌روز بر بی‌رحمی و ترور و سرکوبگری افزود

دولت آمریکا و شرکایش، حتی از یک اخم در برابر این تروریسم دولتی و ظلم مستمر، دریغ کردند. امروز هم برخی اظهارات دولت ایالات متحده در قبال جنایت هولناک غزه بیش از آنچه واقعی باشد، ریاکارانه است.

"جبهه‌ی مقاومت" از دل این فضای تاریک و یأس‌آلود سر برآورد و تشکیل دولت «جمهوری اسلامی» در ایران، آن را گسترش و توانایی داد.

سردمداران صهیونیسم بین‌المللی که بیشترین بنگاه‌های رسانه‌ای در آمریکا و اروپا متعلق به آنها یا زیر نفوذ پول و رشوه‌ی آنها است، این مقاومت انسانی و شجاعانه را تروریسم معرفی کردند! آیا ملّتی که در سرزمین متعلق به خود در برابر جنایتهای اشغالگران صهیونیست از خود دفاع می‌کند، تروریست است؟ و آیا کمک انسانی به این ملّت و تقویت بازوان او کمک به تروریسم به شمار می‌رود؟

سردمداران سلطه‌ی قهرآمیز جهانی، حتی به مفاهیم بشری هم رحم نمی‌کنند. رژیم تروریست و بی‌رحم اسرائیل را دفاع‌کننده از خود وانمود می‌کنند، و مقاومت فلسطین را که از آزادی و امنیت و حق تعیین سرنوشت خود دفاع می‌کند، «تروریست» می‌نامند!

من می‌خواهم به شما اطمینان دهم که امروز وضعیت در حال تغییر است. سرنوشت دیگری در انتظار منطقه‌ی حسّاس غرب آسیا است. بسیاری از وجدانها در مقیاس جهانی بیدار شده و حقیقت در حال آشکار شدن است. جبهه‌ی مقاومت هم نیرومند شده و نیرومندتر خواهد شد. تاریخ هم در حال ورق خوردن است.

بجز شما دانشجویان ده‌ها دانشگاه در ایالات متحده، در کشورهای دیگر هم دانشگاه‌ها و مردم به پا خاسته‌اند. همراهی و پشتیبانی استادان دانشگاه از شما دانشجویان حادثه‌ی مهم و اثرگذاری است. این می‌تواند در قبال شدّت عمل پلیسی دولت و فشارهایی که بر شما وارد می‌کنند، تا اندازه‌ای آرامش‌بخش باشد. من نیز با شما جوانان احساس همدردی می‌کنم و ایستادگی شما را ارج می‌نهم.

درس قرآن به ما مسلمانان و به همه‌ی مردم جهان، ایستادگی در راه حق است: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ؛ و درس قرآن درباره‌ی ارتباطات بشری این است: نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید: لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ. جبهه‌ی مقاومت با فراگیری و عمل به این دستورها و صدها نظائر آن به پیش می‌رود و به پیروزی خواهد رسید؛ باذن الله. توصیه می‌کنم با قرآن آشنا شوید.

دوره پنجم

رسالت امروزی بانوان

• فَقَاتِلُوا أَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان

شکنی] بازایستند. (توبه ۱۲)

• وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد. (جن ۱۶)

• وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و [در انجام فرمان های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد]

اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (آل عمران ۱۳۹-۱۴۰)

جهان از ابتدای خلقت در گذر زمان هر روز در حل تکامل و پیشرفت است. در باب این سخن می توان به تلاش بی بدیل زنان برجسته ی تاریخ صدر اسلام تا کنون اشاره کرد. که چطور در آن زمان مقاومت و ایستادگی بدون هیچ سلاحی فقط با ایمان و جسارتی قوی رقم خورد.

حال که سبک و سو ها تغییر کرده. روایی و روایت او دستخوش تغییرات خاصی چون قلم زنی، رسانه، کار جهادی شده به طوری که روایتگری این بار نه برای اهالی و منطقه ی معینی بلکه برای جهانیان بازگوست.

در طول عصر کنونی شیرزنانی دست به خلق عجایی زدن که جهانیان را به حیرت و تمجید وا داشته. زنانی که از طریق رسانه و سبک متفاوتی از روایتگری، جنایات حکومت های ظالم را برملا و در مقابل زور تا آخرین مانده نفس خود ایستادگی کردن و باعث آشنایی نسل آینده با راه و روش حکام و طریقه ی مقابله با آنها را هستند.

زنان در سراسر جهان به عنوان نیروهای قدرتمند و تاثیرگذار در عرصه های مختلف ظهور کرده اند. این زنان برجسته با تلاش های خستگی ناپذیر خود، مرزهای جدیدی را در زمینه های علمی، سیاسی، اجتماعی، و هنری گشوده اند.

در حوزه علم و فناوری، زنان دانشمند و مخترع، دستاوردهای شگفت انگیزی را به ثبت رسانده اند. از کشف های پزشکی گرفته تا پیشرفت های هوش مصنوعی، زنان نقش کلیدی در پیشبرد دانش بشری ایفا کرده اند. بسیاری از آنها با تاسیس شرکت های نوآورانه، راه حل هایی برای چالش های جهانی ارائه داده اند.

در عرصه سیاست و رهبری، زنان با حضور پررنگ خود، الگوی قدرتمندی برای نسل های آینده شده اند. نخست وزیران، رؤسای جمهور، و رهبران جنبش های اجتماعی، با شجاعت و خردمندی، کشورها و جوامع را به سمت پیشرفت و عدالت هدایت کرده اند. صدای رسای آنها در دفاع از حقوق بشر، برابری جنسیتی، و صلح جهانی طنین انداز شده است.

در زمینه هنر و ادبیات، زنان هنرمند و نویسندگان، با خلاقیت و استعداد خود، آثار ماندگاری خلق کرده‌اند. از نقاشی‌های الهام‌بخش تا رمان‌های تاثیرگذار، زنان در عرصه هنر و ادبیات، مرزهای جنسیتی را درنوردیده و با بیان داستان‌های خود، به غنای فرهنگی جوامع کمک کرده‌اند.

این زنان شاخص، با شکستن کلیشه‌ها و مقابله با موانع، مسیر را برای سایر زنان هموار کرده‌اند. تلاش‌های آنها الهام‌بخش زنان جوان است.

گریستن گیوم

در منطقه والفجر هشت، شاهد بودم وقتی راوی روایت می‌کرد، او می‌گریست و شاید اگر در شلمچه به چشم خودم نمی‌دیدم، تکرار گریستن را، باور نمی‌کردم.

خیلی عجیب بود برایش که دخترهای نوجوان که در شلمچه دورش جمع شده بودند، به او علاقه دارند، پرسید: چرا اینها مرا دوست دارند؟ گفتم: این تعجب به خاطر سن‌تان است که بالاست؟ گفت: نه... در فرانسه با ما بد برخورد می‌کنند و به روسریش اشاره کرد.

سؤالش را از سرپرست گروه هم پرسید و در جواب شنید که: ایمان و تقوا، در آدم، جاذبه‌ای ایجاد می‌کند که همه را جذب می‌کند.

همین سرپرست گروه بود که درباره این خانم می‌گفت: در منطقه والفجر ۸، شاهد بودم وقتی راوی روایت می‌کرد، او می‌گریست، و شاید اگر در شلمچه به چشم خودم نمی‌دیدم، تکرار گریستن را، باور نمی‌کردم، و همین مرا ترغیب می‌کرد تا پیش از آنکه دخترخانم‌های کاروان‌ها، دورش جمع بشوند، گفت‌وگویی با او داشته باشم اما ازدحام و سپس، سؤالات نوجوان‌های کنجکاو، مرا از مصاحبه با کریستین زهرا گیوم بی‌نیاز کرد، او یکی از سه زائر خارجی بود که روز صبح امروز از مناطق جنگی آبادان و خرمشهر دیدار کردند.

* دین قبلی‌تان چه بوده است؟

مسیحی.

* اسم قبلی‌تان؟

کریستین.

* و حالا؟

زهرا.

* انگیزه‌تان چه بود که مسلمان شدید؟

دنبال واقعیت (حقیقت) بودم.

* زمینه مسلمان شدن‌تان را چه کسی به وجود آورد؟

در دانشگاه با چند مسلمان آشنا شدم، آنها باعث شدند با اسلام آشنا شوم.

* چرا به ایران آمدید و فارسی را یاد گرفتید؟

من ایران را دوست دارم.

* شلمچه را هم دوست دارید؟

بله، شلمچه را هم دوست دارم.

* شغل اصلی شما؟

اول: مددکار اجتماعی، دوم: استادی دانشگاه و الان هم فیلم‌سازی مستند.

* کدام غذای ایرانی را بیشتر دوست دارید؟

قورمه سبزی.

* اقوام همسران ایران زندگی می‌کنند؟

بله.

* چند سال پیش فارسی یاد گرفتید؟

از روز اول که به ایران آمدم ولی تا حالا نتوانسته‌ام آن طوری که می‌خواهم صحبت کنم.

* اینجا از دید شما چه طور جایی است؟

همه جا خوب و بد هست، اما اینجا بهتر از فرانسه است، اینجا ایمان هست ولی آنجا نیست.

افتخار آفرینی در عرصه ورزشی

نقش زنان افتخارآفرین در جهان بسیار گسترده و چند وجهی است آنها می‌توانند به عنوان الگو و الهام‌بخش برای دختران و زنان جوان در سراسر جهان عمل کنند. و تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف جامعه، اقتصاد و فرهنگ بگذارند. دختران و زنان با دیدن موفقیت‌های زنان ورزشکار رغبت و انگیزه پیدا می‌کنند. را دنبال کنند.

زنان ورزشکار ایرانی در رشته‌های مختلفی مانند والیبال، بسکتبال، فوتبال، و ورزش‌های رزمی حضور فعالی دارند و حتی در مسابقات بین‌المللی نیز موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند، از جمله: ناهید کیانی، الهه احمدی، زهرا نعمتی و خدیجه آزادپور تنها چند نمونه از زنان ورزشکار ایرانی هستند که در رشته‌های تکواندو، تیراندازی، تیر و کمان و ووشو به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

زنان در عرصه علمی

جایگاه زنان در عرصه علمی ایران در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته است. تعداد زنان در دانشگاه‌ها و در میان پژوهشگران و اعضای هیئت علمی افزایش یافته و زنان ایرانی در رشته‌های مختلف علمی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

پیشرفت‌های بانوان

افزایش حضور در دانشگاه‌ها

تعداد دانشجویان زن در مقاطع مختلف تحصیلی به طور قابل توجهی افزایش یافته است

حضور در پژوهش و فناوری

زنان ایرانی در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله پزشکی، مهندسی و علوم پایه، به فعالیت‌های پژوهشی و نوآورانه پرداخته و دستاوردهای قابل توجهی کسب کرده‌اند.

رشد در رتبه‌بندی‌های علمی

زنان پژوهشگر ایرانی در فهرست‌های بین‌المللی پر استناد قرار گرفته‌اند و در جشنواره‌ها و مسابقات علمی موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند.

افزایش سهم اساتید زن

سهم زنان به عنوان اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها افزایش یافته است.

دکتر لباف در عرصه علمی دارای جایگاه برجسته‌ای است. ایشان به عنوان استاد برگزیده در جشنواره "قدر استاد" دانشگاه علوم پزشکی تهران انتخاب شده‌اند و همچنین معاون آموزش تخصصی و فوق تخصصی دانشکده پزشکی دانشگاه نیز هستند. علاوه بر این، ایشان به عنوان رئیس بیمارستان کودکان حکیم نیز فعالیت می‌کنند.

دکتر لباف در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود، به فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از راهکارهای نوین پزشکی و ایجاد انگیزه در دانشجویان تاکید دارند. ایشان همچنین بر اهمیت یادگیری بازتابی و استفاده از فرصت‌های آموزشی دانشگاه بر اساس گزارش دانشگاه علوم پزشکی تهران تأکید می‌کنند.

از سوی دیگر، سمیه لبافی در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران بر اساس ایرانداک به عنوان عضو هیئت علمی فعالیت دارد و در زمینه سیاست‌گذاری رسانه‌ای و رسانه‌های اجتماعی پژوهش می‌کند. او بنیانگذار آزمایشگاه «رسانه‌های اجتماعی و حکمرانی داده‌ها» است که به بررسی و استفاده از داده‌های رسانه‌های اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری می‌پردازد.

جهاد فرزندآوری و وظیفه امروزی

در شرایط کنونی که کشور با چالش‌هایی نظیر کاهش نرخ جمعیت، پیری جامعه و تهدیدات امنیتی روبرو است، جهاد فرزندآوری به عنوان یک وظیفه ملی و دینی مطرح می‌شود. این مفهوم فراتر از یک توصیه ساده برای فرزندآوری است و در واقع یک حرکت جمعی و برنامه‌ریزی شده برای تضمین آینده ایران اسلامی و مقابله با تهدیدات گوناگون است.

لذا نقش زنان در فرزندآوری، نقشی محوری و اساسی است. زنان با توانایی طبیعی خود، حامل و پرورش‌دهنده فرزند هستند و نقش کلیدی در تربیت و شکل‌گیری نسل آینده ایفا می‌کنند. این نقش فراتر از بعد زیستی و جسمی است و شامل ابعاد عاطفی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود.

پس فرزندآوری یکی از مهمترین و مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است.

***چرا جهاد فرزندآوری مهم است؟**

تأمین امنیت ملی: افزایش جمعیت، به معنای افزایش نیروی انسانی و توان دفاعی کشور است. جمعیتی پویا و جوان، می‌تواند در برابر تهدیدات خارجی و حفظ استقلال کشور نقش موثری ایفا کند.

مقابله با پیری جمعیت: کاهش نرخ باروری و افزایش امید به زندگی، باعث می‌شود جمعیت کشور به سمت پیری سوق پیدا کند. این امر، چالش‌هایی نظیر کمبود نیروی کار، افزایش هزینه‌های بهداشتی و بازنشستگی را به همراه دارد.

توسعه اقتصادی: نیروی کار جوان و متخصص، موتور محرکه توسعه اقتصادی است. افزایش جمعیت، به معنای افزایش ظرفیت تولید و رونق اقتصادی کشور است.

حفظ هویت فرهنگی: افزایش جمعیت، به معنای حفظ و تقویت هویت فرهنگی و مذهبی ایران اسلامی است. جمعیتی با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، می‌تواند در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان مقاومت کند.

اجرای فرامین الهی: فرزندآوری، از جمله سنت‌های الهی و مورد تأکید در ادیان آسمانی است. در اسلام، فرزند داشتن و تربیت نسل صالح، ثواب بزرگی دارد.

وظیفه امروز در جهاد فرزندآوری:

تغییر نگرش: ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری و تشویق جوانان به تشکیل خانواده و فرزندآوری.

حمایت‌های اقتصادی: ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی به خانواده‌ها برای تأمین هزینه‌های نگهداری و تربیت فرزندان.

تسهیل شرایط ازدواج: رفع موانع و تسهیل شرایط ازدواج جوانان، به ویژه از طریق کاهش هزینه‌های ازدواج و ارائه خدمات مشاوره و آموزش.

ایجاد زیرساخت‌های لازم: فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای نگهداری و آموزش کودکان، از جمله ایجاد مهدکودک‌ها و مدارس با کیفیت بالا.

تقویت باور دینی: ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی مرتبط با خانواده و فرزندآوری، به ویژه در میان جوانان. البته جهاد فرزندآوری، یک مسئولیت همگانی است و نیازمند همکاری و همت همه اقشار جامعه است. با افزایش جمعیت و تربیت نسل صالح، می‌توانیم آینده‌ای روشن و پرامید برای ایران اسلامی رقم بزنیم.

نقش دختران امروزی در عرصه مقاومت

نقش دختران امروزی در حوزه مقاومت، نقشی چند وجهی و حیاتی است. آنها می‌توانند با فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی خود، آگاهی‌بخشی کرده و از مظلومان حمایت کنند. همچنین، با حفظ و انتقال ارزش‌های مقاومت به نسل‌های بعدی، نقش خود را در پایداری این فرهنگ ایفا کنند.

نقش‌های کلیدی دختران امروزی در حوزه مقاومت

آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی

دختران می‌توانند با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، به ترویج آگاهی در مورد مقاومت و آرمان‌های آن بپردازند. این آگاهی‌بخشی می‌تواند شامل تولید محتوای رسانه‌ای، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی باشد.

حمایت از مظلومان و فعالیت‌های انسان‌دوستانه

دختران می‌توانند با مشارکت در فعالیت‌های انسان‌دوستانه و کمک به گروه‌های آسیب‌دیده از جنگ و ستم، نقش فعالی در حمایت از مظلومان داشته باشند.

حفظ و انتقال ارزش‌ها

زنان و دختران به عنوان مادران و مربیان نسل آینده، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های مقاومت به کودکان و نوجوانان دارند. این انتقال می‌تواند از طریق آموزش و پرورش، قصه‌گویی و ترویج الگوهای رفتاری مقاومت در خانواده و جامعه انجام شود.

مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

دختران می‌توانند با مشارکت فعال در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، صدای مقاومت را بلندتر کنند. این مشارکت می‌تواند شامل فعالیت‌های انتخاباتی، اعتراضات مسالمت‌آمیز و حمایت از کاندیداهای حامی مقاومت باشد.

ایستادگی در برابر جنگ نرم

دختران می‌توانند با هوشیاری در برابر پروپاگاندا و تهاجم فرهنگی دشمنان، از ارزش‌های فرهنگی و دینی خود دفاع کنند و در برابر جنگ نرم دشمن ایستادگی کنند.

نمونه‌هایی از نقش آفرینی دختران در مقاومت

دختران مسلمان خارج از میدان نبرد که با فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی خود، از آرمان مقاومت حمایت می‌کنند دخترانی که در فعالیت‌های انسان‌دوستانه و کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ و ستم شرکت می‌کنند. دخترانی که با حفظ حجاب و ارزش‌های اسلامی، در برابر تهاجم فرهنگی دشمن ایستادگی می‌کنند.

در مجموع، دختران امروزی می‌توانند با نقش‌آفرینی فعال در حوزه‌های مختلف، از مقاومت حمایت کرده و در حفظ و ترویج ارزش‌های آن نقش مهمی ایفا کنند.

سحر امامی

سحر امامی مجری شبکه خبر که ساعات پیش طی حمله خصمانه رژیم اسرائیل به ساختمان شیشه ای صدا و سیما با شجاعت به کار خود ادامه داد، یکی از اهالی غیور رسانه ملی است. متولد ۱۳۶۴ در تهران و ۴۰ ساله است و از سال ۱۳۸۷ به عنوان مجری صدا و سیما و گوینده شبکه خبر فعالیت می‌کند

او در مصاحبه‌ای گفته است دوست دارد در گروه سیاسی و خبر کار کند و به بازیگری علاقه ای ندارد و حتی تست‌های بازیگری و حقوق بالا را هم رد کرده است چون دوست ندارد از اجرا در شبکه خبر فاصله بگیرد. به گفته خودش فارغ التحصیل رشته مهندسی کشاورزی گرایش صنایع غذایی است و شغلش هیچ ربطی به رشته دانشگاهی‌اش ندارد.

عصر ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ سحر امامی مشغول قرائت خبر بود که ناگهان رژیم اسرائیل به ساختمان شیشه ای و اصلی صدا و سیما حمله کرد و این شیرزن ایرانی همچنان به کار خود ادامه داد و حتی به غبار ایجاد شده ناشی از این حملات در فضای استودیو اشاره کرد تا اینکه وضعیت وخامت پیدا کرد و امامی مجری مجبور به ترک صحنه شد اما دقایقی بعد همراه حسن عابدینی معاون سیاسی سازمان صدا و سیما به روی آنتن شبکه خبر بازگشت.

شروع فعالیت از ۱۳۸۷ در مجموعه برنامه به خانه برمی‌گردیم شبکه ۵ از شبکه تهران در بخش دانستی‌ها، صبح با خبر، ورود به شبکه خبر در سال ۱۳۸۹ تاکنون در بخش خبر، گفت‌وگوی ویژه خبری در زمینه سیاسی و ژئوپلیتیک، مجری مناظره سیاسی افرادی مثل محسن هاشمی، شرکت در برنامه جنایی درمانگر، فعالیت در زمینه برنامه سازی و نویسندگی است.

سخنان مقام معظم رهبری : « لازم می‌دونم همین‌جا اشاره کنم به حرکت زیبا و پر معنایی که اون بانوی مجری تلویزیون در مقابله حمله دشمن انجام داد تکبیر گفتن. نشانه قدرت ملت رو در واقع به همه دنیا ارائه کردند اینها حادثه تاریخی بود بسیار با ارزشی ست.»